

سکندره قلم و آنچه می‌نویسد

جزوه حقوق تجارت ۱

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی)

حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

کيه که ندونه درس حقوق تجارت، از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی مثل وکالت، قضاوت! با توجه به تدریس چندین ساله‌ی این درس در دانشگاه‌های مختلف، تصمیم گرفتم که برای این درس که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده‌فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر تشتت منابع می‌شوند کتاب جزوه‌طور کاملی رو تهیه کنم که شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تدوین شود که نظم منطقی اوون به سردرگمی تبدیل نشه. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایت www.mollakarimi.ir بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید!

تمرکز اصلی کار من در این نوشته و بقیه جزوات گذاشته‌شده در وبسایتم (مثل جزوات حقوق مدنی، آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی) اینه که مثلی به گاو بنفش در بین سایر گاوها که سیاه و سفید هستند متمایز باشم!! در واقع این، هدف من است که متفاوت باشم و در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق، کارهای متفاوتی نسبت به دیگران انجام بدم. می‌خوام نوشته‌هام مثل گاو بنفش باشه که واقعاً در خور توجه باشه. حتماً دیدید آدم‌هایی رو که با یه ویژگی خاص، خودشون رو متفاوت و منحصر به فرد نشون می‌دن؛ مثلاً عینک زرد می‌زنن یا یه مدل موی خاص خودشون رو دارن؛ من هم می‌خوام با «ساده‌نویسی» و آوردن مثال‌های ساده‌فهم متفاوت باشم و با این ویژگی، به چشم بیام. من کمترین می‌خوام که بهترین تبلیغ برای کارهام، تمایز و انجام کاری نو و جالب‌توجه باشه. نمی‌خوام از این جمله کلیشه‌ای‌ها بگم ولی «کلید موفقیت، متفاوت‌بودنه». من این «متفاوت‌بودن» رو در جزوه‌هایی که به رایگان در دسترس دانشجویان حقوق گذاشتم، نشون دادم.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی‌دی‌اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیامک کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می‌شه مطلع‌تون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند.

مقدمه

به صورت چریکی، کل حقوق تجارت را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. مفاهیم حقوق تجارت اگر بدون مثال‌های ساده توضیح داده بشه مثل یک قورباغه زشت، تحمل اوون سخت است اما در این نوشته، کاری می‌کنیم که این قورباغه را ببوسید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای دکتر اسکینی رو معرفی می‌کردند. وقتی کتاب‌های ایشون رو دستمون می‌گرفتیم با یک سری اصطلاحات قلمبه‌سلمبه چقر حقوقی مواجه می‌شدیم که ازش چیزی نمی‌فهمیدیم و نهایتاً حوصله‌مون سر می‌رفت و زده می‌شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال‌های دوره کارشناسی نمی‌فهمیدیم، چون مفاهیم پایه رو نمی‌دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال‌های روشن برامون قصه می‌گفت و بعد، برامون خواندن اصطلاحات ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می‌شد! در سال‌های اخیر که «شبکه‌های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطب عمده این شبکه‌ها، دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها هستند، معلم حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنر معلمی یعنی «ساده‌گویی»؛ خلاصه اینکه، مدنی رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم!

دروغله اول تقدیم به پدر و مادر عزیزم

و پس تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ به آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

یکی از مباحث حقوق تجارت، حقوق تجارت ۱ که طبق آخرین سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل بررسی و شناخت تاجر، معیار تشخیص تاجر، مفهوم و مصادیق تاجر، شرایط اشتغال به تجارت، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی تجارت، اعمال معاملات تجاری، تکالیف و الزامات قانونی تاجر داشتن دفاتر تجاری و ثبت نام در دفتر ثبت تجاری، عاملیت، نمایندگی تجاری و قائم مقامی تجاری، مالکیت‌های فکری صنعتی و تجاری مالکیت‌های فکری تجاری و نام تجاری، علامت تجاری، برند، حق کسب و پیشه و تجارت، مالکیت‌های فکری صنعتی و حق اختراع می‌باشد.

تاجر و اعمال تجاری

بر خلاف همیشه که موضوع را با تعریف شروع می‌کنند می‌خواهیم با یک تست ۷ گزینه‌ای شروع کنیم تا خودتان را گرم کنید! کدام فرض از حیث صحت ناصحیح نیست (صحیح است)؟

- × تمام مقررات حقوق تجارت راجع به تاجر است مگر مقررات اسناد تجاری.
 - × شرکت‌های تعریف شده در حقوق تجارت (و نه قانون تجارت) بر ۷ قسم است. (ق.ت: ۷ شرکت + ق.اجرای سیاست‌ها: ۲ شرکت = حقوق تجارت: ۹ شرکت)
 - × الفاظ تاجر، کاسب و بازرگان یکی نیستند.
 - × دلال حتماً تاجر است. (این گزینه هم مثل بالایی‌ها غلط است اما این جمله: «دلالتی حتماً تجاری است» صحیح است.)
 - × تکرار عمل ملازمه با «شغل معمول» دارد. (این هم غلط است چون ملاک، امرار معاش مستمر است.)
 - × تکرار عمل ملازمه با تصدی ندارد. (این هم غلطه چون اتفاقاً داره!)
- به نام و به حساب خودبودن عمل تجاری شرط تاجر بودن است حتی در دلالتی و حتی در حق العمل‌کاری. (این گزینه صحیح است.)

حقوق تجارت در یک کلمه یعنی «تاجر»؛

به عبارتی همه چیز در حقوق تجارت در رابطه با شخصی‌ست به نام تاجر!

ما در کارشناسی ۴ تا تجارت داشتیم:

۱. تاجر (شخص حقیقی) کیست؟ (مواد ۱ تا ۱۹ و ۳۳۵ تا ۴۱۱ ق.ت)
۲. تاجر (شرکت‌های تجاری) چیست؟ (ماده ۲۰ قانون تجارت + مواد ۹۴ تا ۲۲۲ قانون تجارت و مواد ۱ تا ۳۰۰ لایحه اصلاح)
۳. روابط تاجر (اعم از حقیقی و حقوقی) با همدیگر بررسی شد. در واقع رابطه اسنادی تاجر با هم رو بررسی کردیم. البته قبلش باید تاجر رو می‌شناختیم تا می‌تونستیم وارد رابطه آنها بشیم. اسناد تجاری (مواد ۲۲۳ تا ۲۳۴ ق.ت + ۱ تا ۲۳ قانون صدور چک + اصلاحیه ۱۰ ماده‌ای ۱۳۹۷)
۴. بیماری تاجر (ورشکستگی) اعم از حقیقی و حقوقی را بررسی کردیم (مواد ۴۱۲ تا ۵۷۵ قانون تجارت و مواد ۱ تا ۶۰ ق.اداره تصفیه امور ورشکستگی)

تعریف تاجر: (ماده ۱ قانون تجارت): طبق این ماده تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار دهد.

- تاجر اگر حقیقی باشد = کسی + شغل معمولی + عمل تجاری + به نام و حساب خود + به قصد انتفاع
 - تاجر اگر حقوقی باشد = شخصی + شغل معمولی + عمل تجاری + به نام و حساب خود + به قصد انتفاع
- با هم ظاهراً تفاوتی ندارند ولی در رابطه با «تاجر حقوقی» فرمول بالا لازم هست ولی کافی نیست. برای تاجر شدن، عمل تجاری شرط است. ماده ۲ لایحه اصلاح گفته «شرکت‌های سهامی» لازم نیست عملیاتشون تجاری باشه! پس اصولاً برای همه (اعم از حقیقی و حقوقی) عمل تجاری برای تاجر شدن شرطه به غیر از شرکت سهامی. اصلاً جوهر اصلی تاجر، انجام عمل تجاری است که هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی اگر عمل تجاری را به شکل معمول، به نام و حساب خود، به قصد انتفاع انجام دهد تاجر است حتی کسبه جزء مگر شرکت‌های سهامی که به هر حال تاجرند، حتی اگر هیچ کدام از آن شرایط را نداشته باشند.
- ✓ تاجر ممکن است شخص حقیقی یا شخص حقوقی (شرکت‌های تجاری) باشد.
- ✓ الفاظ «تاجر»، «کاسب» و «بازرگان» همگی مترادف‌اند و با «صنعت‌گر» و «پیشه‌ور» متفاوت‌اند. پس «کسبه» با همان فرمول ماده ۱ قانون تجارت حتماً تاجرند؛ حال اگر میزان فروش سالیانه آنها در کار تولیدی ۱۰ میلیون تومان و کمتر و مبلغ دریافتی سالانه آنها در کار خدماتی ۵ میلیون تومان و کمتر باشد، کسبه جزء به شمار می‌آیند و چنانچه بیشتر باشد، کلان و کل به شمار می‌آیند. پس میزان فروش سالیانه صرفاً جزء و کل ساز است و نه تاجر ساز! کسبه جزء صرفاً به خاطر اینکه یک تاجر خرد به شمار می‌آیند از تکالیف تاجر مانند داشتن دفتر تجاری مثل ثبت نام در دفتر تجاری و مشمول ورشکستگی شدن معاف هستند (معاف هستند یعنی مختار هستند).
- ✓ برای آنکه شخص تاجر تلقی گردد، لازم نیست که اسم او در دفتر ثبت تجارتی ثبت شده باشد و همچنین الزامی برای اشخاص تاجر به داشتن کارت بازرگانی نیست؛ همین که شغل معمولی یک شخص اعمال تجارتی باشد، تاجر تلقی می‌شود.
- ✓ منظور از «شغل معمولی» آن است که محل اصلی درآمد شخص، اعمال تجاری باشد. بنابراین اگر شخصی در مشاغل متعدد شاغل باشد که برخی از آنها تجاری و برخی دیگر غیرتجاری باشد، در صورتی این فرد تاجر محسوب می‌شود که محل اصلی درآمد او از اعمال تجاری باشد.
- ✓ علی‌الاصول انجام معاملات تجاری باید شغل معمولی شخص باشد، مگر در موارد استثنایی مانند: شرکت‌های سهامی که حتی اگر شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار ندهند، تاجر محسوب می‌شوند.
- «ماده ۲ ل.ق.ت: شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.»
- ✓ تاجر نباید لزوماً در تجارت مباشرت داشته باشد، اگر اجیر و کارمند هم بگیرد تاجر محسوب می‌شود.

✓ برای اینکه شخص تاجر تلقی شود لازم است که حتماً اعمال تجاری را به نام و به حساب خود انجام دهد، نه آنکه اعمال تجاری را به وکالت از ناحیه غیر انجام دهد. بنابراین اگر شخصی به وکالت از غیر اعمال تجاری انجام دهد، تاجر محسوب نمی‌شود.

✓ اگر شخصی که ممنوع از انجام اعمال تجاری است، با وجود منع قانونی، اعمال تجاری انجام دهد و شغل معمولی او اعمال تجاری باشد، چنین شخصی نیز تاجر محسوب می‌شود.

معیار تشخیص تاجر:

۱. **معیار شخصی:** طبق این معیار، شخصی تاجر است که اسم او در دفتر ثبت تجاری ثبت شده باشد. بر اساس این معیار، در مرحله اول تاجر تعریف می‌شود و در مرحله بعد به بررسی معاملات او به عنوان اعمال تجاری پرداخته می‌شود. به عبارتی دیگر طبق این معیار، اعمال تجاری به اعمالی تلقی می‌شود که تاجر اقدام به آن اعمال می‌نماید. بر اساس این معیار حقوق تجارت، «حقوق اشخاص تاجر» است و مقررات تجاری حول تاجر و برای بررسی اعمال صورت گرفته از سوی تاجر وضع می‌گردد.

۲. **معیار نوعی:** طبق این معیار، شخصی تاجر شناخته می‌شود که اعمال تجاری انجام می‌دهد، بر اساس این معیار، در مرحله اول اعمال تجاری شناسایی می‌شود و در مرحله بعد، هر شخصی که اعمال تجاری انجام دهد، به عنوان تاجر شناخته می‌شود، بر اساس این معیار؛ حقوق تجارت، «حقوق اعمال تجاری» است و مقررات تجاری حول اعمال تجاری وضع می‌گردد.

معیار تشخیص تاجر طبق قانون ایران:

در حقوق تجارت ایران ماده ۱ قانون تجارت معیار نوعی را برای تشخیص تاجر پذیرفته است، اما در ماده ۳ قانون تجارت معیار شخصی را پذیرفته است؛ به عبارت دیگر حقوق تجارت ایران برای تشخیص تاجر هم معیار نوعی و هم معیار شخصی مورد قبول است.

اعمال تجاری:

سؤال: آیا حقوق تجارت ایران مبتنی بر سیستم شخصی یا موضوعی یا مختلط است؟

در سیستم شخصی، شخص بازرگان ملاک است. در سیستم موضوعی، اعمال تجاری ملاک است و در سیستم مختلط، هم شخص بازرگان و هم اعمال تجاری ملاک می‌باشد. بنا بر نظر اقوی، حقوق تجارت ایران متکی بر سیستم موضوعی است زیرا اعمال تجاری در ماده ۲ ق. تجارت احصاء شده‌اند و در ماده یک ق. تجارت تاجر کسی قلمداد شده است که اشتغال به اعمال تجاری داشته باشد.

ممنوعیت‌های اشتغال به اعمال تجاری:

ممنوعیت‌های مطلق: به موجب برخی قوانین بعضی از اشخاص از اشتغال در کلیه امور تجاری منع شده‌اند، مانند قضات و سردفتران که به صورت کلی از انجام اعمال تجاری ممنوع شده‌اند.

ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفتریاران: مشاغل زیر منافی شغل سردفتری و دفتریاری است: بند ۲: اشتغال به امر تجارت بنا به تعریف ماده یک قانون تجارت.

بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شوند: ۲- اشتغال هم‌زمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱) قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده (۱) قانون تجارت.

ممنوعیت نسبی: به موجب برخی از مقررات، بعضی از اشخاص از اشتغال به برخی امور تجاری منع شده‌اند، مانند کارمندان دولت که از حق العمل کاری منع می‌باشند، ولی از انجام اعمال تجاری دیگر منع نشده‌اند.

اعمال تجاری:

اعمال تجاری به اعمالی اطلاق می‌شود، که مشمول حقوق تجارت واقع شده و در حقوق تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

انواع اعمال تجاری:

اعمال تجاری بر سه نوع است:

الف - اعمال تجاری ذاتی یا مطلق: این اعمال توسط هر شخصی انجام شود، تجاری می‌باشند **خود بر دو قسم است**، دسته اول اعمالی هستند که خود آن اعمال صرفاً تجاری است و نه تصدی آنها (اصل بر این است)؛ دسته دوم اعمالی هستند که تصدی آنها و نه خودشان تجاری ذاتی‌اند (استثناء):

قسم اول: اعمالی که به محض انجام بدون اینکه نیازی بدون تکرار باشد عمل تجاری قلمداد می‌گردند و از قرار ذیل است:

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد: «بند ۱ ماده ۲ ق.ت»
✓ تصرف یا عدم تصرف در مال منقول تحصیل شده عموماً تأثیری ندارد مگر اینکه میزان تصرف به حدی باشد که اضافه ارزش حاصل ناشی از آن تصرف یا صنعت یا پیشه مشخص باشد که در این حالت‌ها دیگر با عمل تجاری و تاجر مواجه نیستیم بلکه با صنعت و پیشه‌ای که صنعت‌گر یا پیشه‌ور انجام داده است؛ مثل نجاری، خیاطی، کفایش و ...
سوال: اگر کسی یک متر چرم بخرد و آن را تبدیل به کفش کند و بفروشد ...

۱. عملش تجاری ذاتی است ولی تاجر نیست. (غلط)

۲. عملش تجاری ذاتی است و تاجر است. (غلط)

۳. عملش تجاری ذاتی است و می‌تواند تاجر باشد. (غلط)

۴. عملش صنعت‌گری است. (صحیح)

✓ تحصیل مال منقول اعمال حقوقی مانند صلح و معاوضه است، که منجر به نقل و انتقال مالکیت مال منقول شود.

✓ بیع (فروش)، اجاره و رهن مال منقول عمل تجاری محسوب نمی‌شود، بلکه آن چه عمل تجاری به حساب می‌آید، خرید مال منقول به قصد فروش یا اجاره آن است.

✓ برای آنکه خرید یا تحصیل مال منقول، تجاری تلقی گردد، وجود «قصد فروش یا اجاره» مال تحصیل شده برای تجاری تلقی شدن موضوعیت دارد حتی اگر نفروشد یا اجاره ندهد. تحصیل منقول به قصد انتقال عمل تجاری است، ولو اینکه منتقل نشود.

✓ قصد فروش یا اجاره مال منقول باید مقارن خرید یا تحصیل مال منقول موجود باشد، نه آنکه بعداً چنین قصدی حاصل شود. هم‌زمانی تحصیل و قصد انتقال شرط است، پس اگر ملاکریمی فرش **بخرد** برای خانه خود ولی آن را بفروشد عملش تجاری نیست اما اگر ملاکریمی فرش **بخرد** برای اینکه بفروشد ولی خودش استفاده کند عملش تجاری است.

✓ اجاره کردن مال منقول مشمول این بند نیست. برای مثال اگر شخصی مال منقولی را اجاره نماید، با این قصد که آن را به دیگری اجاره دهد، عمل او تجاری محسوب نمی‌شود.

✓ تملک مال منقول به سبب اموری مانند ارث، وصیت، حیازت مباحات و ... مشمول این بند نیست.

✓ در بند یک ماده ۲ صرفاً «خرید» یا «تحصیل» به قصد تملیک عین یا منفعت، تجاری است و نه فروش آن، یعنی بر خلاف بند ۱۰ در باب کشتی که هم خریدش و هم فروشش تجاری است در غیرکشتی صرفاً تحصیل و خریدش تجاری است و فروش آن به هر حال تجاری نیست یعنی این عمل خریدار است که می‌تواند مشمول بند یک باشد نه عمل فروشنده، بر خلاف کشتی که هم عمل خریدار و هم عمل فروشنده مشمول اعمال تجاری است.

۲. دلالتی: «بند ۳ ماده ۲ ق.ت»

تعریف دلالتی: واسطه شدن در مقابل اجرت، برای انجام معامله یا پیدا کردن طرف معامله برای شخص که قصد انعقاد معامله دارد.

تعریف دلال: ماده ۳۳۵ ق.ت: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

✓ دلال در انعقاد عقد نقشی ندارد و فقط طرف معامله را پیدا می‌کند.

✓ هم خود عمل دلالی و هم تصدی به عمل دلالی هر دو تجاری ذاتی به شمار می‌آیند. پس هم دلالی و هم تصدی به عمل دلالی می‌تواند به موجب ماده ۱ قانون تجارت تجاری باشد.

۳. حق العمل کاری: «بند ۳ ماده ۲ ق.ت»

تعریف حق العمل کاری (کمسیون): عقدی است که به موجب آن شخصی به نام حق العمل کار در برابر شخص دیگری به نام آمر متعهد می‌شود که معاملاتی را به اسم خود، ولی به حساب او انجام دهد و در ازاء این عمل اجرتی تحت عنوان «حق العمل» دریافت کند.
تعریف حق العمل کار ماده ۳۵۷ ق.ت: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد.»

۴. عاملیت (نمابندگی): «بند ۳ ماده ۲ ق.ت»

عاملیت (نمابندگی): عاملیت به معنای انجام امور به نام دیگری و به حساب دیگری، برخلاف حق العمل کاری که انجام امور به نام خود و به حساب دیگری می‌باشد.

۵. هر قسم عملیات صرافی و بانکی: «بند ۷ ماده ۲ ق.ت»

✓ صرافی، تبدیل پول به پول را صرافی گویند.

✓ هر قسم عملیات صرافی یعنی تبدیل پول به پول و عملیات بانکی اعم از افتتاح حساب، گشایش حساب، اعطای وام و وصول مطالبات همگی تجاری ذاتی هستند. حال هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی یا اعم از بانک یا غیربانک انجام دهد می‌تواند تاجر باشند.

✓ خرید و فروش طلا و نقره، صرافی محسوب نمی‌گردد، ولی خرید و فروش سکه‌های بانکی که توسط بانک مرکزی ضرب می‌گردند، مشمول عنوان صرافی است.

✓ در بند ۷ ماده ۲ ق.ت عمل صرافی و بانکی مهم است نه صرف و بانک. آنچه مهم است عمل بانکی است و نه بانک بودن، بر خلاف موضوع چک‌های قانون صدور چک: ماده ۱ تنها چک‌هایی مشمول قانون صدور چک هستند که به عهده بانک صادر شده باشد. حال مهم نیست دولتی باشد یا غیردولتی؛ تاجر باشد یا غیرتاجر. پس، صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات مالی و اعتباری می‌توانند طبق بند ۷ ماده ۲ ق.ت تاجر باشند ولی نمی‌توانند مُحالٌ علیه باشند (عهده‌دار چک باشند). چک مؤسسه، چک نیست ولو اینکه تاجر باشند.

۶. عملیات مربوط به بیمه: «بند ۹ ماده ۲ ق.ت»

✓ بیمه اموال غیرمنقول ذاتی، به عبارت دیگر بیمه املاک، عمل تجاری محسوب می‌شود.

۷. کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

✓ برای تعریف کشتی و تمایز آن از سایر وسایل حمل و نقل دریایی باید به عرف رجوع کرد.

✓ لنج و قایق مشمول این بند نیست.

✓ هر نوع معامله راجع به کشتی مانند اجاره و رهن کشتی، عمل تجاری تلقی می‌گردد.

✓ برخلاف سایر منقولات که خرید آنها فقط در صورتی تجاری است که به قصد فروش یا اجاره باشد، خرید کشتی در هر صورت عمل محسوب می‌شود.

✓ برخلاف سایر منقولات که فروش آنها عمل تجاری نیست، فروش کشتی عمل تجاری است.

✓ بند ۱۰ ماده ۲ بر خلاف بندهای دیگر که در مقام بیان عمل تجاری هستند، در مقام بیان مثال و مصداق برای اُعمال تجاری است به نحوی که «**کشتی سازی**» کار تولیدی است (بند ۴ ماده ۲)؛ «**خرید** یا تحصیل کشتی به قصد فروش یا اجاره» هم در بند ۱ ماده ۲ آمده بود و گفتیم که «معامله تجاری» است؛ «**کشتی رانی**» هم که تصدی به حمل و نقل است (نکته مهم این است که خود حمل و نقل کشتی را و نه الزاماً تصدی آن را تجاری دانسته). فروش کشتی هم که تجاری است.

۸. ساختن خانه یا آپارتمان یا محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش: ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها: «انواع شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند.» قانونگذار تلویحاً این اعمال را تجاری محسوب کرده است.

قسم دوم: اعمالی که تجاری محسوب شدن آن محتاج به تکرار است و از قرار ذیل است:

۱. تصدی به حمل نقل از راه خشکی یا آب و هوا. «بند ۲ ماده ۲ ق.ت.»

✓ حمل و نقل ممکن است به ۳ صورت انجام گیرد: هوایی، زمینی و دریایی.

✓ حمل و نقل زمینی به ۲ صورت می‌باشد: جاده‌ای و ریلی.

۲. تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط به اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد: «بند ۴ ماده ۲ ق.ت.»

✓ کارخانه ممکن است، وابسته به یک شرکت تجاری باشد، یا وابسته به یک شرکت غیرتجاری و یا حتی ممکن است وابسته به یک شخص حقیقی باشد.

۳. تصدی به عملیات حراجی: «بند ۵ ماده ۲ ق.ت.»

✓ تصدی به عملیات حراجی و نه خود حراجی تجاری ذاتی محسوب می‌شود. عمل حراجی تقریباً همان مزایده است با این تفاوت که: ۱. عمل حراجی بیشتر در معاملات شخصی کاربرد دارد، مزایده بیشتر در معاملات دولتی کاربرد دارد؛ ۲. حراجی بیشتر شفاهی صورت می‌گیرد، مزایده بیشتر کتبی صورت می‌گیرد؛ ۳. حراجی، قیمت پایه ندارد، مزایده قیمت پایه و مبنا دارد.

✓ حراجی یعنی، شخصی که قصد فروش کالایی دارد، آن کالا را در معرض فروش قرار دهد، با این قید که هر شخصی که بیشترین قیمت را پیشنهاد داد، کالا به او فروخته می‌شود.

✓ متصدی حراجی کسی است که در مقابل دریافت اجرت حراجی اموال عملیات حراجی را اداره می‌کند، پس اگر مالک اموال آنها را به حراجی گذارد مشمول این بند نخواهد بود.

۴. تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی: «بند ۶ ماده ۲ ق.ت.»

✓ چون عبارت «نمایشگاه عمومی» در متن ماده به صورت مطلق ذکر شده است، نمایشگاه عمومی اعم از آن است که این محل سینما و تئاتر، گالری نقاشی یا نمایشگاه ابزارها و محصولات صنعتی باشد.

۵. تصدی به رسانیدن ملزومات: «بند ۳ ماده ۲ ق.ت.»

✓ معامله زمین و املاک، عمل تجاری محسوب نمی‌شود، اما تصدی تسهیل معاملات ملکی، عمل تجاری است.

✓ اگرچه عمل تسهیل معاملات ملکی، نوعی دلالی است، اما طبق تصریح این ماده در صورتی تجاری محسوب می‌شود که در قالب بنگاهی و به صورت مستمر صورت گیرد، چون با عنوان «تصدی» ذکر شده است.

تحقق تصدی: برای تحقق تصدی دو شرط باید جمع باشد:

۱. برای انجام عمل بنگاه یا دفتر کاری وجود داشته باشد.

۲. آن عمل باید تکرار شود.

ب. اعمال تجاری تشبیهی یا حکمی:

۱. معاملات شرکت‌های سهامی: در صورتی که موضوع فعالیت یک شرکت سهامی، عمل غیرتجاری باشد، آن شرکت به موجب ماده ۲ لایحه اصلاح، به حکم قانون (نه در واقع) تجاری است.

۲. معاملات برواتی، اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد: «بند ۸ ماده ۲ ق.ت»

✓ صدور برات مطلقاً عمل تجاری ذاتی قلمداد می‌گردد (حتی اگر از طرف غیر تاجر باشد) حال آنکه صدور چک عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد. صدور سفته عمل تجاری محسوب نمی‌شود مگر اینکه صدور سفته از سوی تاجر باشد.

✓ معاملات برواتی اعمال حقوقی‌ای است که روی بروات انجام می‌شود و ایجاد و انتقال آن را فراهم می‌کند. با توجه به عبارت «عملیات برواتی» کلیه اعمال صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت برات عمل تجاری می‌باشد.

✓ اعمال تجاری ذاتی صرفاً به دو دسته ذاتی و تبعی تقسیم می‌شوند حال در دسته ذاتی‌ها، بند ۸ ماده ۲ یعنی معاملات برواتی اعم از صدور برات، ظهرنویسی و قبول برات همگی به حکم قانون در دسته ذاتی‌ها قرار گرفته‌اند؛ نه اینکه به ذات خود تجاری باشند بلکه حکمی ذاتی هستند.

سؤال: معاملات اسناد برواتی ...

۱. تجاری ذاتی است.

۲. تجاری حکمی است.

۳. تجاری ذاتی حکمی است.

۴. تجاری ذاتی حکمی و یا تجاری تبعی است.

گزینه ۴ صحیح است.

اسناد برواتی شامل برات، سفته و چک است. به عبارتی به اسناد تجاری، اسناد برواتی می‌گویند اما وقتی می‌گویند **معاملات برواتی** فقط برات را می‌گویند. معامله اسناد برواتی هم شامل برات و هم سفته و چک می‌شود.

ج. اعمال تجاری فرعی یا تبعی:

به موجب ماده ۳ در باب اعمال تجاری تبعی همینکه یکی از طرفین معامله شخص تاجر باشد به تبع وی عمل مذکور تجاری خواهد بود؛ حال اگر طرف دیگر نیز تاجر باشد به هر حال تجاری تبعی است و اگر غیرتاجر باشد به شرط حوائج تجاری، تجاری تبعی خواهد بود (ملاک آزمون وکالت). البته علی‌رغم عدم پیش‌بینی قید حوائج تجاری در بند ۱ و بند ۴ از نظر دکترا تجارت نمی‌توان گفت که چنین قیدی شرط نیست، بلکه همه‌جا قید حوائج تجاری برای تجاری شدن عمل شرط است چه تاجر با تاجر، چه تاجر با غیرتاجر و صرفاً من باب تغلیب (غلبه) و بدیهی بودن در قانون پیش‌بینی نشده است (ملاک آزمون‌های تحلیلی). چهار مورد احصاء شده در ماده ۳ ق.تجارت اعمال تجاری فرعی هستند:

۱. کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها: «بند ۱ ماده ۳ ق.ت»

✓ عبارت «کسبه و صرافان و بانک‌ها» اضافه است، چون آنها نیز تاجر محسوب شده نیازی به ذکر مجدد نام آنها نیست.

✓ کلیه معاملاتی که تاجر با یکدیگر انجام می‌دهند، تجاری محسوب می‌شوند مگر اینکه ثابت شود معامله، مربوط به امور تجارتی نیست (چه بین تاجر و تاجر دیگر باشد، چه بین تاجر و غیرتاجر) قانونگذار نخواسته دامنۀ معاملات تجاری را گسترش دهد و فقط آن دسته از معاملات تاجر را تجاری تلقی کرده است که برای امور تجارتی باشد. مثال: اگر تاجری از تاجر دیگر برای تجهیزیه دختر خود یخچالی بخرد، این عمل تجاری تلقی نمی‌گردد. اگر تاجری با شخص غیرتاجری معامله‌ای انجام دهد، این معامله فقط در صورتی تجاری است که برای حوائج تجارتی تاجر صورت گرفته باشد.

با توجه به ماده ۵ قانون تجارت، اثبات این امر که معامله انجام گرفته برای حوائج غیرتجاری بوده بر عهده خود تاجر است.

۲. کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نمایند: «بند ۱ ماده ۳ ق.ت»

✓ معاملات تاجر با غیرتاجر فقط در صورتی تجاری تلقی می‌گردد که این معاملات برای رفع حوائج تجاری باشد، نه برای رفع حوائج شخصی.

✓ صدور سفته و چک با وجود این که عمل تجاری اصلی محسوب نمی‌شود، ولی اگر توسط تاجر و برای رفع حوائج تجاری صادر شود، طبق این بند، عمل تجاری تبعی محسوب می‌شود.

۳. کلیه معاملات که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید.

✓ معامله اجزاء و خدمه و شاگردان تاجر در صورتی تجاری تلقی می‌گردد که این معاملات را به دستور تاجر و برای او منعقد نموده و همچنین برای رفع حوائج تجاری باشد.

✓ عبارت «اجزاء» به معنی کارمندان تاجر است.

۴. کلیه معاملات شرکت‌های تجاری.

نکته: معامله تجاری تبعی همان معامله تجاری حکمی نیست.

نکته: اصل غیرتجاری بودن معاملات غیرمنقول: معامله راجع به اموال غیرمنقول با توجه به ماده ۴ ق. تجارت در هیچ صورتی عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد (چه ذاتی و چه تبعی) حتی اگر معامله‌کننده تاجر باشد و حتی اگر معامله‌کننده شرکت سهامی باشد. بنابراین در سؤالات مطروحه در این زمینه هر نوع سؤالی را باید حمل بر غیرتجاری نمود مگر اینکه «یکی از اعمال تجاری ماده ۲ قبل از عبارت معامله غیرمنقول به شکل پیشوند مطرح شده باشد که تجاری ذاتی است» چرا که سؤال اصلاً از معامله غیرمنقول مطرح نشده است مثل دلالتی غیرمنقول و ...

اما اگر بعد از عبارت معامله غیرمنقول هر پسوندی آورده شد اهمیتی ندارد و غیرتجاری است حتی اگر بین شرکت‌های سهامی عام باشد مگر اینکه پسوند مربوط به ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها باشد که در این صورت اگر نص ماده ۵ تملک آپارتمان‌ها احراز شود تجاری ذاتی محسوب می‌شود و آن زمانی است که یک غیرمنقول توسط یکی از شرکت‌های تجاری (نه الزاماً شرکت‌های سهامی) به قصد ساخت و ساز خانه یا آپارتمان یا محل سکونت یا کسب یا پیشه یا اجاره یا فروش باشد که در این صورت، تجاری ذاتی می‌شود.

سوال: عمل تجاری که شرط تاجرشدن است در کدام حالت مدنظر است؟

✓ فقط عمل تجاری ذاتی

× فقط عمل تجاری تبعی

× عمل تجاری ذاتی و تبعی

× عمل تجاری ذاتی یا تبعی

نکته: جوهر اصلی تاجرشدن انجام عمل تجاری ذاتی با شرایط خاص آن است پس اگر عمل تجاری ذاتی مفقود باشد، تاجر بودن حتماً منتفی است اما اگر عمل تجاری ذاتی موجود باشد، تاجر بودن احتمالی است و با وجود سایر شرایط یعنی معمول بودن، به نام و حساب خود بودن و به قصد انتفاع بودن، تاجر بودن نیز قطعی می‌شود.

نکته: دلالتی، حق العمل کاری، عاملی، تصدی حمل و نقل و ... در ماده ۲ ق. ت. حتماً عمل تجاری ذاتی است ولی دلالت، حق العمل کار، عامل، متصدی حمل و نقل و ... اگر عمل‌های تجاری فوق را به شکل معمول به قصد انتفاع و برای خود انجام دهند تاجرند.

نکته: زمانی عمل تجاری معمول شخص را تاجر می‌کند که به طور مستقل و به نام و به حساب خود شخص باشد؛ همیشه به نام و به حساب خود بودن شرط است، حتی در عاملی (به نام و حساب دیگری معامله می‌کند)، حتی در دلالتی (به نام و حساب هیچ‌کس معامله نمی‌کند)، حتی در حق العمل کاری (به نام خود و به حساب دیگری معامله می‌کند). مستقل بودن عمل تجاری، شرط تاجرشدن است. پس اعمال که شاگرد، خدمه، قائم مقام تجاری، مدیران شرکت‌های تجاری و ... انجام می‌دهند آنها را تاجر نمی‌کند بلکه ارباب یا رئیس

آنها را تاجر می‌کند چون به نام و حساب آنهاست. دقت شود به نام و حساب خود بودن عمل تجاری با معامله صورت گرفته خلط نشود، چرا که دلال و عامل و متصدی اصلاً برای خود معامله نمی‌کنند بلکه عمل‌های تجاری آنها در آن معاملات و ماحصل ناشی از آن مثل حق الزحمه، کمیسیون باید برای خود شخص باشد.

نکته: برای تولد تاجر یکی از کروموزوم‌های ماده ۲ لازم است. البته ممکن است که یک شخص، چندتا از اوونها رو داشته باشه، یعنی چند مورد در یک نفر جمع شود. شرط لازم برای تاجر شدن صرفاً انجام یکی از اعمال مذکور در ماده ۲ است اما معنی نیست که یک شخص از چند جهت و با چند عمل تجاری، تاجر شود.

نکته: بندهای مذکور در ماده ۲ در مقام بیان اعمال تجاری ذاتی جنبه حصری و استثنایی دارد و هر عملی خارج از ماده ۲ ولو سودآور عمل تجاری محسوب نمی‌شود و تاجرساز نیست.

سؤال: معامله غیرمنقول بین دو شرکت سهامی عام:

× تجاری ذاتی است.

× تجاری تبعی است.

× تجاری ذاتی یا تبعی است.

✓ نه تجاری ذاتی و نه تجاری تبعی است.

نکته: درست است که به موجب ماده ۲ لایحه اصلاح، شرکت‌های سهامی به هر حال تاجرند اما این دلیلی بر این نیست که همه اعمالشان هم تجاری باشد.

نکته: به موجب ماده ۵ ظاهر و اماره بر تجاری بودن معاملات تاجر است و این به این معنی نیست که اماره بر تاجر بودن شخص است؛ بلکه طبق اصل عدم، اصل بر تاجر نبودن شخص است و در صورت احراز تاجر بودن طبق ماده ۵ اصل بر تجاری بودن عمل تاجر است. نکته: شغل معمولی که یکی از عناصر سازنده تاجر است، شغلی است که **امرار معاش مستمر شخص** از آن طریق باشد. تکرار، شرط نیست؛ انحصار، شرط نیست؛ مباشرت هم شرط نیست؛ بلکه صرفاً **امرار معاش** به شکل **مستمر** شرط است. حواستون باشه که در «تصدی» هم تکرار لازم است و هم استمرار. دقت شود **تصدی** ملازمه با تکرار دارد ولی **معمولی بودن** الزاماً ملازمه با تکرار ندارد مگر اینکه شغل معمول، یکی از **اعمال تصدی‌گونه** ماده ۲ باشد یعنی کسی که شغل معمولش **تصدی حمل و نقل** است هم **امرار معاش** شرط است و هم تکرار.

نکته: «قصد انتفاع» با «کسب انتفاع» هم معنا نیست. برای اینکه عمل تجاری معمول و به نام و به حساب شخص او را تاجر نماید، باید قصد انتفاع داشته باشد ولو اینکه کسب انتفاع وجود نداشته باشد؛ پس در غیرتجار قصد انتفاع شرط نیست ولو اینکه کسب انتفاع وجود داشته باشد مثل مؤسسات فرهنگی، آموزشی، ورزشی، ادبی، هنری و ...؛ دقت شود **قصد انتفاع** در غیرتجار شرط نیست و این بدین معنا نیست که ممنوع است. مؤسسات غیرانتفاعی می‌توانند قصد انتفاع داشته باشند و می‌توانند نداشته باشند ولی مؤسسات تجاری باید قصد انتفاع داشته باشند.

وظایف تاجر

وظیفه اول: تنظیم دفاتر تجاری

مطابق ماده ۶ قانون تجارت همه تاجر غیر از کسبه جزء مکلف به داشتن دفاتر تجاری هستند، دفاتر تجاری اجباری از قرار ذیل است:

۱. دفتر روزنامه (روزانه): دفتری است که داد و ستد روزانه تاجر در آن درج می‌گردد (ماده ۷ ق. تجارت). همه چیز قید می‌شود!
۲. دفتر کل (۷ روز یکبار): دفتری است که کلیه معاملات تاجر از دفتر روزنامه استخراج و با توجه به نوع آن در دفتر کل درج می‌گردد این امر حداقل هفته‌ای یکبار باید صورت بگیرد (ماده ۸ ق. تجارت). همه چیز طبقه‌بندی شده!

۳. دفتر دارایی (سالانه): دفتر دارایی بیلان مالی تاجر است. تاجر باید کلیه دارایی اعم از اموال منقول و غیرمنقول و کلیه قروض خود را خود را در این دفتر قید نماید. تاجر بایستی سالی یکبار این اقدام را به عمل آورد و بایستی تا ۱۵ فروردین ماه سال بعد این امر انجام شده باشد (ماده ۹ ق. تجارت). دارایی ظرفی است که تشکیل دهنده دیون (-) و مطالبات (+) شخص است.
- معادل کنونی دفتر دارایی، ترازنامه است اما داشتن ترازنامه رافع تکلیف داشتن دفتر دارایی نیست. فی المثل به موجب ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح، تنظیم ترازنامه ضروری است. یعنی شرکت سهامی علاوه بر دفتر دارایی، حتماً باید ترازنامه هم تنظیم کند.
۴. دفتر کپی (هر وقت که لازمه!): کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های صادره تاجر به ترتیب تاریخ صدور در دفتر کپی قید می شود. معادل کنونی دفتر کپی، اندیکاتور است اما داشتن دفتر اندیکاتور رافع تکلیف داشتن دفتر کپی نیست.
- نکته: مراسلات مخابرات و صورت حساب های وارده تاجر مطابق تبصره ماده ۱۰ ق. ت به ترتیب تاریخ ورود در لفاف مخصوصی ضبط خواهد شد (ثبت نمی شوند).
- نکته: دفاتر فوق الاشعار غیر از دفتر کپی قبل از آنکه در آن نوشته شود بایستی از طرف نماینده اداره ثبت امضاء گردد (ماده ۱۱ ق. ت). امضای نماینده ثبت فقط در دفتر کپی الزامی نیست
- نکته: چنانچه مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد، مستنداً به ماده ۱۴ ق. تجارت بین تاجر در امور تجاری قابلیت استناد دارد و چنانچه مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم نشده باشد، فقط علیه آن تاجر قابلیت استناد دارد.
- سؤال: ضمانت اجرای نداشت دفاتر تجاری چیست؟
- ضمانت اجرای عدم امضای دفاتر تاجر ماده ۱۱ از ناحیه نماینده اداره ثبت چیست؟ ضمانت اجرای آن جزای نقدی است.
- نکته: بنابراین در دو سؤال فوق الاشعار یعنی نداشته دفتر تجاری و یا عدم امضای دفتر از ناحیه نماینده اداره ثبت، در هیچ صورتی موجب ورشکستگی تاجر نمی شود زیرا مطابق ماده ۴۱۲ ق. تجارت تنها دلیل ورشکستگی تاجر توقف در تأدیه دیون می باشد اما باید توجه داشت اگر تاجری، متوقف در تأدیه دیون خود باشد و دفاتر تجاری نداشته باشد و یا دفاتر تجاری او مرتب نباشد، در این صورت با توجه به ماده ۵۴۲ ق. تجارت از یک طرف تاجر محتمل است به مجازات جرم ورشکسته به تقصیر محکوم گردد و از طرف دیگر با توجه به ماده ۱۵ ق. تجارت به جزای نقدی محکوم می شود.
- نکته: تاجری که فاقد دفاتر تجاری باشد یا دفاتر تجاری او مرتب نباشد، اداره دارایی مالیات علی الرأس برای او تعیین می نماید.
- نکته: دفتر کپی وجودش الزامی است، امضای نماینده ثبت الزامی نیست.
- نکته: وجود امضای نماینده ثبت در همه دفاتر الزامی است مگر دفتر کپی.
- نکته: به موجب ماده ۶ وجود هر چهار دفتر تاجر الزامی است.
- نکته: وجود امضای تاجر در دفتر الزامی نیست مگر در دفتر دارایی.
- نکته: دلال باید پنج تا دفتر داشته باشد؛ آن ۴ دفتر + دفتر مخصوص دلالی (م ۱ و ۳ راجع به دلالان).
- نکته: بر خلاف اعداد و مبالغ اسناد تجاری که بهتر است به حروف باشد (یعنی اگر به حروف نباشد هم اشکالی ندارد!) ولی در دفاتر، اعداد باید به حروف باشد (الزامی است).
- نکته: نمره ترتیبی در هر چهار دفتر الزامی است.
- نکته: دفاتر تاجر همیشه به نفع دیگران بدون شرط قابل استناد است؛ چون وقتی تاجر خودش در دفترش نوشته نوعی اقرار است ولی له تاجر در صورتی قابل استناد است که: مطابق مقررات باشد + دعوا بین دو تاجر باشد + راجع به امور تجارتی باشد.
- نکته: ماده ۱۵ ق. ت می گه نداشتن دفاتر ضمانت اجرای کیفری دارد. به موجب مواد ۱۶ تا ۱۹ ق. ت هم ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجاری الزامی است و هم تصریح به آن شماره ثبت در اسناد و اوراق الزامی است و در هر دو حالت (هم عدم ثبت و هم عدم تصریح)

ضمانت اجرای کیفری دارد. کسبه جزء تاجرانند اما از تکالیف تجار معافند؛ نظامنامه ماده ۱۹ ق.ت می‌گه کسبه جزء اینان: اگر کار تولیدی می‌کنند باید کمتر از یکصد میلیون ریال و اگر کار خدماتی می‌کنند باید کمتر از پنجاه میلیون ریال درآمد سالیانه داشته باشند.

وظیفه دوم: ثبت نام در دفتر ثبت تجاری

- ✓ به استناد ماده ۱۶ ق.ت دفتر ثبت تجاری، دفتری است برای ثبت نام تجار ایرانی و خارجی، به استثناء کسبه جزء. دقت کنید: **ثبت نام و اسم تاجر** همیشه الزامی است ولی **ثبت نام تجاری یا اسم تجاری** اصولاً اختیاری است مگر در موارد خاص الزامی شناخته شود. ثبت نام تاجر، باعث ایجاد شخص تاجر نیست؛ وقتی می‌گویید «ثبت نام» یعنی تاجری دارید که می‌خواهید ثبت نامش کنید (مثل بچه‌ای که شناسنامه ندارد!). ثبت نام، تاجر ساز نیست؛ صرفاً با فرمول ماده ۱ ق.ت، شخص، تاجر می‌شود ولی تا زمانی که ثبت نام نکرده علاوه بر اینکه مجازات کیفری دارد از برخی از حقوق تجار مثل داشتن کارت بازرگانی، صادرات و واردات، معافیت‌های خاص مالیاتی و ... محروم می‌شود.
- ✓ به استناد ماده ۱۸ ق.ت تمامی تجار که در ایران فعالیت تجاری انجام می‌دهند، باید در این دفتر ثبت شوند؛ حتی در صورتی که شرکت تجاری در دفتر ثبت شرکت‌ها ثبت شده باشد، باز هم باید در این دفتر ثبت نام کند.
- ✓ بر اساس ماده ۱۶ ق.ت عدم ثبت نام تاجر در این دفتر موجب پرداخت جزای نقدی است.

وظیفه سوم: اعلام ورشکستگی

به استناد ماده ۴۱۳ ق.ت تاجر باید ظرف ۳ روز از توقف در تأدیه دیون خود، این توقف در تأدیه دیون را به دفتر دادگاه اطلاع دهد و صورت دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر دادگاه تحویل دهد. در غیر این صورت ممکن است طبق ماده ۵۴۲ ق.ت ورشکسته به تقصیر معرفی شود.

ثبت نام بازرگان:

ماده ۱۷ ق.ت تجارت ثبت نام بازرگان را به آئین نامه واگذار نموده است. این آئین نامه در سال ۱۳۲۵ تصویب شده است مطابق مندرجات این آئین نامه، در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت شرکت‌ها تشکیل شده یا بشود. برای ثبت نام بازرگانان و شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، دفتر مخصوصی به نام دفتر ثبت تجاری وجود خواهد داشت. دفتر مذکور قبل از آنکه چیزی در آن ثبت شود توسط رئیس دادگستری یا نماینده او شماره گذاری یا نماینده او شماره گذاری شده و مهر و امضاء می‌شود. هر تاجری از تاریخ شروع به کار ظرف یک ماه مکلف است اقدام به ثبت نام خود در دفتر ثبت تجاری بنماید. ضمانت اجرای عدم اقدام برای ثبت نام، جزای نقدی است.

ثبت نام بازرگانی (اسم تجاری):

نام بازرگانی محتمل است خود بازرگان یا اسم مستعار یا فرضی باشد. ثبت نام بازرگان اختیاری است ولی چنانچه شخصی اقدام به ثبت اسم تجاری خود بنماید به مدت ۵ سال معتبر است و برای آن شخص حق انحصاری ایجاد می‌کند. این مدت قابل تجدید می‌باشد. اسم تجاری قابل نقل و انتقال است خواه با سند رسمی خواه با سند عادی زیرا قانون تجارت الزامی در خصوص انتقال با سند رسمی ندارد (مواد ۵۸۲ الی ۵۸۷ ق.ت تجارت).

حق العمل کاری (کمسیون):

تعریف حق العمل کاری (کمسیون): عقدی است که به موجب آن شخصی به نام حق العمل کار در برابر شخص دیگری به نام آمر متعهد می‌شود که معاملاتی را به اسم خود، ولی به حساب او انجام دهد و در ازاء این عمل اجرتی تحت عنوان «حق العمل» دریافت کند.

تعریف حق العمل کار ماده ۳۵۷ ق.ت: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد.»

ویژگی‌های حق العمل کاری:

- ✓ حق العمل کاری عقدی عهدی، معوض و اذنی است.
- ✓ در عقد حق العمل کاری باید مانند عقود دیگر شرایط صحت عقد رعایت شود.
- ✓ طرفین عقد حق العمل کاری آمر و حق العمل کار می‌باشد.
- ✓ حق العمل کاری طبق ماده ۲ قانون تجارت عملی تجاری است.
- ✓ عقد حق العمل کاری طبق ماده ۳۵۸ ق.ت و به دلیل اذنی بودنش، تابع مقررات عقد وکالت در قانون مدنی است. یعنی در موارد سکوت قانون تجارت راجع به عقد حق العمل کاری، به قواعد عقد وکالت در قانون مدنی رجوع می‌کنیم.

اختیارات و وظایف حق العمل کار:

- ✓ لزوم آگاه نمودن آمر از اقدامات خود: ماده ۳۵۹ ق.ت: «حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.»
- ✓ عدم تکلیف حق العمل کار به بیمه کردن: ماده ۳۶۰ ق.ت: «حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.»
- ✓ تکالیف حق العمل کار در صورت وجود عیب ظاهری در موضوع معامله: ماده ۳۶۱ ق.ت: «اگر مال التجاره‌ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به و سایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر (آگاه) کند و الا مسؤول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.»
- ✓ فروش مال التجاره در صوت فساد آن: ماده ۳۶۲ ق.ت: «اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می‌تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم (دادستان) محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.»
- ✓ مسؤولیت نسبت به تفاوت قیمت: ماده ۳۶۳ ق.ت: «اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسؤول تفاوت «قیمت» خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.»
- ✓ مسؤولیت در صورت تقصیر: ماده ۳۶۴ ق.ت: «اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.»
- ✓ ممنوعیت استفاده از تفاوت قیمت: ماده ۳۶۵ ق.ت: «اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد. (تفاوت قیمت متعلق به آمر است.)»
- ✓ مجازات در صورت استفاده از تفاوت قیمت: ماده ۳۷۰ ق.ت: «اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود به علاوه در دو صورت اخیر آمر می‌تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.» و همچنین ممکن است به جرم خیانت در امانت محکوم گردد.

- ✓ عدم مسؤولیت نسبت به انجام تعهدات و پرداخت وجوه: ماده ۳۶۷: «حق العمل کار در مقابل آمر مسؤول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتی بلد او را مسئول قرار دهد.» پس حق العمل کار اصولاً مسؤول تعهدات طرف مقابل در برابر آمر نیست مگر اینکه: ۱. معامله اعتباری بدون اذن کرده باشد؛ ۲. عرف تجارتی محل / بلد او را مسؤول بداند؛ ۳. شرط ضمانت شده باشد.
- ✓ موارد جواز فروش مال بدون رضایت آمر: ماده ۳۷۲ ق.ت: «اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و (آمر) مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل (دادستان) یا نماینده او به طریق مزایده به فروش برساند.» نظر به این ماده، اطلاع رسانی به آمر برای فروش اموال الزامی است ولی حضور او در محل الزامی نیست البته در اموال سریع الفساد، اطلاع رسانی نیز شرطیت ندارد.
- ✓ منع فروش مال توسط حق العمل کار به صورت نسیه: در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر، مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسط دهد؛ مسؤول جبران ضررهای ناشی از این عمل خواهد بود.
- ✓ حق العمل کار در برابر آمر مسؤول تعهدات حق العمل کاری است مگر قوه قاهره را ثابت کند.
- ✓ حق العمل کار در برابر طرف معامله مسؤول تعهدات معاملات هست حتی اگر به حساب آمر بودن معامله به طرف معامله اطلاع داده شود. به حساب آمر بودن لازم نیست به طرف معامله گفته شود. اطلاع رسانی حق العمل کار از به حساب آمر بودن معامله نه شرطیت دارد و نه در صورت اطلاع، تأثیری در میزان مسؤولیت دارد.
- ✓ آمر و طرف معامله در برابر هم نه مسؤولیت تجاری دارند و نه مسؤولیت قراردادی. هیچ نوع مسؤولیت قراردادی اعم از تجاری یا معاملاتی ندارند و تنها ممکن است مسؤولیت مدنی متصور باشد.

معامله حق العمل کار با خود:

آیا حق العمل کار می تواند مالی را که مسؤول فروش آن است به خودش بفروشد؟

آیا حق العمل کار، در صورتی که مأمور خرید کالایی برای آمر باشد، می تواند کالای خودش را برای آمر خریداری کند؟

- ✓ طبق نص ماده ۳۷۳ ق.ت: «اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتی و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاه دارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.» تنها در اموالی که مظنه بورسی و بازاری دارد معامله با خود حق العمل کار صحیح است و می تواند خود شخصاً طرف معامله با آمر شود.
- ✓ طبق نص ماده ۳۷۴: در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادی حق العمل کار را برداشت کند.» حق العمل کار مستحق دریافت اجرت حق العمل کاری و همچنین مخارج صورت گرفته برای معامله است. چه اجرت، چه مخارج در دلای، حق العمل کاری، تصدی حمل و نقل به عهده آمر است مگر در دلای: مخارج با دلالت است مگر شرط شود یا عرف بگوید با آمر است.
- ✓ طبق نص ماده ۳۷۵: «در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.» نظر به این ماده، معامله با خود، نیاز به

اطلاع رسانی ندارد و همین که معامله‌ای که مظنه بوری و بازاری دارد انجام شود و طرف معامله تعیین نشود، معامله با خود محسوب می‌شود.

✓ طبق نص ماده ۳۷۶ ق.ت: «اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر (آگاه) گردد دیگر نمی‌تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.» این ماده می‌خواهد بگوید که معامله با خود مجاز است (مظنه بوری) رجوع از آمر از امر خود و اطلاع حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله مانع معامله با خود خواهد بود (هرچند مظنه بوری داشته باشد).

اجرت حق العمل کار:

✓ طبق مواد ۳۵۷ و ۳۶۸ ق.ت، آنچه از سوی آمر باید به حق العمل کار پرداخت گردد:

۱. اجرت حق العمل کار باید به او پرداخت.
 ۲. مخارج لازمه صورت گرفته برای معامله از سوی حق العمل کار
 ۳. سایر مخارجی که از سوی حق العمل کار به حساب آمر انجام شده است و برای معامله و نفع آمر لازم بوده است، اصلاً و منفعتاً باید به حق العمل کار داده شود.
- ✓ ماده ۳۶۹ ق.ت: «وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می‌شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد.
- نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل (اجرت المثل) معین می‌نماید.» نکات حائز اهمیت ماده ۳۶۹ ق.ت:
- تعهد حق العمل کار تعهد به نتیجه است.
 - حق العمل کار نمی‌تواند از انجام تعهدات حق العمل کاری امتناع کند، تا ابتدا اجرت را دریافت کند، بنابراین حق العمل کار از حق حبس مذکور در ماده ۳۷۷ قانون مدنی بی‌بهره است.
 - در دو حالت حق العمل کار مستحق اجرت المسمی تعیین شده می‌گردد: ۱- در صورتی که معامله انجام شود. ۲- در صورتی که معامله‌ای که حق العمل کار در صدد انعقاد آن است، به دلیل فعل آمر اجراء نگردد.
 - در صورتی که معامله‌ای که حق العمل کار در صدد انعقاد آن است، به دلیل امور دیگری غیر از فعل آمر غیرقابل اجراء شده باشد، حق العمل کار مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل (اجرت المثل) معین می‌نماید، می‌باشد.

✓ طبق ماده ۳۷۰ ق.ت، در صورتی که حق العمل کار، در اجراء تعهدات خود مرتکب تقلب شود، مستحق حق العمل نخواهد بود.

تفاوت حق العمل کاری و عاملی:

- ✓ حق العمل کاری انجام معاملات، به نام خود و به حساب دیگری است. حق العمل کار کسی است که در مقابل حق العمل به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معامله می‌کند.
- ✓ عاملی انجام معاملات، به نام دیگری و به حساب دیگری است.

دلالی:

تعریف دلالی: واسطه شدن در مقابل اجرت، برای انجام معامله یا پیدا کردن طرف معامله برای شخص که قصد انعقاد معامله دارد.

تعریف دلال: ماده ۳۳۵ ق.ت: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.» البته می توانست بگه: «دلال شخصی است که ...»؛ دلال می تواند شخص حقوقی باشد.

✓ دلال در انعقاد عقد نقشی ندارد و فقط طرف معامله را پیدا می کند. دلال به نام و حساب هیچکس معامله نمی کند.

ویژگی های دلالی:

✓ دلالی عقدی عهدی، معوض و اذنی است.

✓ در عقد دلالی باید مانند عقود دیگر شرایط صحت عقد رعایت شود.

✓ طرفین عقد دلالی آمر و دلال می باشند.

✓ دلالی طبق ماده ۲ قانون تجارت عملی تجاری است.

✓ دلالی برخی از معاملات نیاز به مجوزهای خاص دارد، مانند دلالی معاملات بورسی یا دلالی معاملات ملکی.

اختیارات و وظایف دلال:

✓ جواز دلالی در رشته های مختلف: ماده ۳۳۶ ق.ت: «دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.»

✓ جواز دلالی برای آمرین مختلف: ماده ۳۴۱ ق.ت: «دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.»

✓ تکلیف مطلع کردن طرفین معامله از جزئیات معامله: صدر ماده ۳۳۷ ق.ت: «دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجع به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند.»

✓ مسؤولیت مدنی در ازاء تقصیر: انتهای ماده ۳۳۷ ق.ت: «دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول قلب و تقصیرات خود می باشد.»

✓ منع از اجراء تعهدات طرف معامله: ماده ۳۳۸ ق.ت: «دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.» دلیل این امر آن است که دلال در این باره کسب وکالت ننموده است، این ماده با عباراتی متفاوت، تکرار مواد ۶۶۳ و ۶۶۵ قانون مدنی است،

✓ مسؤولیت نسبت به اشیاء و اسناد: ماده ۳۳۹ ق.ت: «دلال مسؤول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.» اگر چه طبق ماده ۶۶۶ قانون مدنی، ید وکیل، ید امانی است، و فقط در صورتی مسؤول خسارات وارده به موکل است، که تقصیر او اثبات شود، ولی در قانون تجارت دلال مسؤول تلف اشیاء و اسناد شناخته شده است، مگر آنکه ثابت کند که تلف آنها مربوط به او نبوده است.

✓ دلالی معامله طبق نمونه ماده ۳۴۰ ق.ت: «در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.»

✓ لزوم مطلع کردن آمرین از امور مهم: ماده ۳۴۱ ق.ت: «دلال ... باید آمرین را از ... امور ... که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.»

- ✓ **مسئولیت دلال نسبت به اعتبار اسناد:** ماده ۳۴۲ ق.ت: «هر گاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله، بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است.»
- ✓ **عدم مسئولیت نسبت به اعتبار اشخاص معامله‌کننده:** صدر ماده ۳۴۳ ق.ت: «دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند ... نیست.»
- ✓ **عدم مسئولیت نسبت به اجراء مفاد معامله:** انتهای ماده ۳۴۳ ق.ت: «دلال ... ضامن اجرای معاملاتی که توسط او می‌شود نیست.» به عبارت دیگر پس از آنکه معامله منعقد شد، تعهدات دلال به اتمام می‌رسد و دلال مسئولیتی نسبت به تعهدات ناشی از آن معامله ندارد.
- ✓ **عدم مسئولیت در خصوص موضوع معامله:** ماده ۳۴۴ ق.ت: «دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او (دلال) بوده. (است)»
- ✓ **مسئولیت دلال در صورت انجام معامله به اعتبار تعهد او:** ماده ۳۴۵ ق.ت: «هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.» این حالت در صورتی است که دلال به هر نحو انجام تعهدات یکی از طرفین را مورد تضمین قرار دهد.
- ✓ **لزوم اطلاع به طرفین معامله در صورت سهام بودن در معامله:** ماده ۳۴۶ ق.ت: «در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهام باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده (خواهد بود)»
- ✓ **مسئولیت تضامنی با آمر برای انجام تعهدات قراردادی در صورت سهام بودن در معامله:** ماده ۳۴۷ ق.ت: «در صورتی که دلال در معامله سهام باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.»
- ✓ **موظف به داشتن دفتر دلالی:** ماده ۳۵۶ ق.ت: «هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

۱- اسم متعاملین ۲- مالی که موضوع معامله است ۳- نوع معامله ۴- شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است ۵- عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رؤیت است یا به وعده ۶- امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه.

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است.»

اجرت دلالی:

- ✓ **ماده ۳۴۸ ق.ت:** «دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که **معامله** به راهنمایی یا وساطت او **تمام شده باشد**» (حق العمل کاری: با اجرای معامله؛ متصدی حمل و نقل: ق.ت در این خصوص ساکت است اما قانون مدنی می‌گوید با انعقاد قرارداد)

نکات این ماده:

- تعهد دلال تعهد به نتیجه است.
- دلال حق حبس ندارد، یعنی نمی‌تواند از انجام تعهدات دلالی امتناع ورزد، تا ابتدا اجرت را دریافت کند.
- ✓ در دلالی حق حبس نداریم؛ در حق العمل کاری حق حبس نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمت آن داریم؛ در تصدی حمل و نقل دو جور حق حبس داریم: ۱. حق حبس در برابر مرسل؛ ۲. حق حبس در برابر مرسل‌الیه.

✓ ماده ۳۵۰ ق.ت: «هر گاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.» بنابراین اگر معامله معلق به بلامعارض بودن ملک منعقد شود، سپس معلوم شود که ملک، معارض داشته است، دلال مستحق اجرت نیست. دلال به محض اتمام معامله یعنی زمان ایجاد اثر حقوقی که غالباً همان زمان انعقاد عقد است مگر عقد معلق که همزمان با حصول معلق علیه است و در خصوص حق العمل کار از آنجایی که حق العمل کار خودش یک طرف معامله است باید معامله را اجرا کند، لذا پس از اجرای معامله مستحق اجرت است.

✓ ماده ۳۵۲ ق.ت: «در صورتی که معامله به رضایت طرفین (اقاله) یا به واسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.»

✓ ماده ۳۵۳ ق.ت: «دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.» چون دلالی این گونه معاملات به دلیل نامشروع بودن موضوع معامله باطل است.

دو ماده بالا می گه: همین که دلال یک معامله منجز مشروع منعقد کرد مستحق دلالی است: ولو اینکه فسخ شود، ولو اینکه اقاله شود، ولو اینکه منفسخ شود.

✓ ماده ۳۵۴ ق.ت «حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.»

✓ مواد ۳۵۵ و ۳۵۶ با توجه به ماده ۱۳ قانون دلالان نسخ شده است و جایگزین آن تعیین حق الزحمه بر اساس تعرفه قانونی است. به عبارتی حق الزحمه می تواند قراردادی باشد به شرط اینکه متجاوز از تعرفه نباشد و همینطور در خصوص دفتر، دفتر مخصوص دلالی لازم است که باید امور راجع به دلالی در آن قید شود.

✓ ماده ۳۴۹ ق.ت: «اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا بر خلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود»؛

نکته: با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۳۵ و مواد ۲۵۸ و ۳۷۸، قانونگذار اصولاً دلالی، حق العمل کاری و متصدی حمل و نقل را تابع وکالت دانسته است و این در حالی است که با یک نگاه ظاهری به همان مفاهیم اعمال تجاری فوق شکلاً هیچ کدام شبیه وکالت نیستند. در نتیجه مقصود از تبعیت از وکالت ناظر به مقررات ماهوی وکالت است. فی المثل از حیث لزوم و جواز، رضایی بودن عقد، عهدی بودن، اذنی بودن، معوض بودن و از همه مهم تر از حیث مسؤولیت امانی، تابع وکالت هستند.

نکته: ید امانی وکیل به این معنی است که وکیل مسؤول نیست مگر تقصیر او ثابت شود. با دقت در مواد ۳۳۵ تا ۳۹۴ غالباً با این وضع مواجهیم که دلال، حق العمل کار و متصدی حمل و نقل **مسؤول هست مگر** تقصیر یا قوه قاهره را ثابت کند. حواستون باشه: یکسری از اوونهایی که تعطیل می گن این «... مسؤول هست مگر ...» ضمانتی بودن ید است در حالی که ید ضمانتی حالتی است که «شخص، **مسؤول هست حتی اگر** عدم تقصیر یا قوه قاهره را ثابت نماید». واقعیت این است که در این سه مقوله، قانونگذار همان ید امانی را به شکل تعهد به نتیجه (بر خلاف وکالت که تعهد به وسیله است) پیش بینی کرده است و به نوعی فرض مسؤولیت کرده ولی امکان رفع مسؤولیت را نیز پیش بینی کرده است. نتیجه اینکه ید دلال، امانی است مثل وکالت و تعهد به نتیجه است بر خلاف وکالت.

ماده ۳۳۹: دلال، مسؤول اسناد و اشیاء سپرده شده ضمن معامله **هست مگر** خلاف آن را ثابت کند.

ماده ۳۴۲: دلال، ضامن صحت و اعتبار امضای نوشتجات و اسناد راجع به معامله **هست مگر** خلافش ثابت شود.

ماده ۳۳۷: دلال، ضامن تقصیر و تقلب خود **هست مگر** خلاف آن ثابت شود.

همه «هست» های فوق، گویای تعهد به نتیجه است و نه ضمانتی بودن چون اثبات خلاف آنها به واسطه اثبات عدم تقصیر یا قوه قاهره پیش بینی شده است.

نکته: ید حق العمل کار امانی می باشد (مثل وکیل)؛ تعهد حق العمل کار، تعهد به نتیجه است (بر خلاف وکیل) یعنی وی نیز مسؤول است مگر خلاف آن را ثابت نماید. فی المثل ماده ۳۶۴ می گه: حق العمل کار مسؤول تقصیرات خود هست مگر خلاف آن را ثابت نماید. ماده ۳۶۶ می گه: حق العمل کار مسؤول ضررهای ناشی از فروش نسبه **هست مگر** خلاف آن ثابت شود. ماده ۳۷۰ می گه: حق العمل کار مسؤول تفاوت قیمت **هست مگر** خلاف آن ثابت شود. دقت کنید همه «... هست مگر ...» های فوق، بیانگر امانی بودن به نتیجه ید حق العمل کار در مقابل امر قرارداد حق العمل کاری است و نه ید ضمانی.

نظر به مواد: ۳۶۱ اصل مسؤولیت امانی، ۳۶۳ مسؤولیت تفاوت قیمت در فروش کمتر از حداقل قیمت، ۳۶۶ در فروش نسبه بدون اذن، ۳۷۰ انجام یا اقدام هر کار نادرست مثل اعلام قیمتی بیش از خرید یا کمتر از فروش؛ که همگی نشانگر ید امانی حق العمل کار، آن هم با تعهد به نتیجه است یعنی در تمام این موارد حق العمل کار مسؤول هست مگر خلاف آن ثابت شود. ضمناً در ماده ۳۷۰ علاوه بر این مسؤولیت مفروض دو ضمانت اجرا نیز پیش بینی شده است: ۱. عدم استحقاق کمیسیون؛ ۲. امر می تواند خود حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

نکته: نظر به مواد ۳۶۰ و ۳۶۷ حق العمل کار به تصریح قانون به صورت قاعده تکمیلی اولاً حق العمل کار را مسؤول بیمه ندانسته و ثانیاً مسؤول تعهدات طرف معامله در مقابل امر نمی داند مگر اینکه در باب بیمه، دستور امر باشد و در باب تعهدات طرف، شرط ضمانت شده یا معامله بدون اذن به صورت نسبه انجام شده یا عرف تجاری شخص را مسؤول بداند.

نکته: ید متصدی حمل و نقل نیز امانی به نتیجه است یعنی مسؤول هست مگر خلاف آن را ثابت نماید. فی المثل: م ۳۸۶ می گه: «متصدی مسؤول تلف **هست مگر** ...»؛ قسمت اخیر م ۳۸۶ می گه: «متصدی مسؤول مفقودی **هست مگر** ...»؛ م ۳۸۷ می گه: «متصدی مسؤول خسارت تأخیر **هست مگر** ...»؛ م ۳۸۷ می گه: «متصدی مسؤول نقص کالا **هست مگر** ...»؛ م ۳۸۷ می گه: «متصدی مسؤول خسارت آواری **هست مگر** ...»؛ دقت کنید همه «... هست مگر ...» های فوق، بیانگر امانی بودن به نتیجه ید متصدی است و نه ید ضمانی.

نکته: دقت کنید همه «هست» های فوق، با اثبات امور خارج از اراده شخص یا قوه قاهره تبدیل به «نیست» می شود. هم دلال، هم متصدی حمل و نقل و هم حق العمل کار، مسؤولیت امانی به نتیجه دارند.

نکته: نظر به مواد ۳۹۱ و ۳۹۳ متصدی حمل و نقل پس از تحویل کالا و اخذ کرایه و یا پس از انقضای مرور زمان یکساله دیگر مسؤول نیست، مگر اینکه در حالت تحویل کالا (۳۹۱) تدلیس یا تقصیر عمده ای باشد و یا عیوب غیرظاهری باشد که منتها ظرف ۸ روز پس از تحویل گرفتن مال التجاره باید اطلاع داده شود؛ اما به موجب ماده ۳۹۳ صرفاً در باب دعوی خسارت چه بحری چه غیربحری، پس از یک سال مرور زمان دیگر هیچ دعوی خسارتی پذیرفته نیست.

نکته: به موجب مواد ۳۸۲ و ۳۸۳ مرسِل (ارسال کننده) اصولاً حق استرداد کالا را دارد، به شرط پرداخت مخارج و خسارات مگر: ۱. بارنامه به مرسِلُ الیه تسلیم شده یا ۲. رسید موجود نزد مرسِل قابل تحویل نباشد یا ۳. اعلام وصولی کالا به مقصد صورت گرفته باشد یا ۴. پس از وصول کالا در مقصد، تقاضای تسلیم شده باشد. در این ۴ حالت، حق استرداد منتفی است.

نکته: به موجب ماده ۳۸۴ عدم انجام تعهدات توسط مرسِلُ الیه سبب ایجاد امانت (ابطه امانی) در نزد متصدی می شود و متصدی می تواند آن را نزد خود یا نزد ثالث به صورت امانی نگاه دارد و یا با اطلاع دادستان آن را به فروش برساند، به هر حال مسؤولیت های چنین وضعیت بلا تکلیفی به عهده مرسِل (ارسال کننده/امر) است.

به موجب ماده ۳۹۲ (بدون آنکه نیاز به اطلاع دادستان باشد) دادگاه صالح می تواند به تقاضای یکی از طرفین (رأساً ممکن نیست) در صورت اختلاف بین متصدی و مرسِلُ الیه یا رأی به امانت و یا رأی به فروش صادر کند به شرط اینکه در فروش علت فروش صورت جلسه شده و با پرداخت مخارج و وجوه از آن جلوگیری نشده باشد.

نکته: به موجب ماده ۴ قانون پست، حمل و نقل با پست تجاری محسوب نمی‌شود.

نکته: دلال مقدمه را فراهم می‌کند؛ حق العمل کار معامله می‌کند؛ متصدی حمل و نقل نتیجه معامله را حمل می‌کند. در این سه موضوع قانونگذار فرض را بر وجود مسؤولیت گذاشته ولی می‌توانید خلافش را ثابت کنید. از آنجایی که هیچ اسم و رسمی از دلال و متصدی در معامله نیست اصل بر این است که دلال و متصدی نقشی در معامله ندارند پس مسؤولیتی هم در معامله ندارند. هر کجا که اسم و رسمی از اینها در معامله پیدا شد، این دو **مسؤولیت معاملاتی** دارند؛ مثلاً وقتی دلال سهمیم باشد یا منتفع باشد یا طرفین معامله یا یکی شون به اعتبار تعهد دلال معامله کنند (ضمانت ضمنی) و یا طبق اصول حقوقی چنانچه شرط ضمان برای دلال شده باشد؛ طبیعی است که در این حالات، دلال، مسؤولیت معاملاتی هم خواهد داشت. اینهایی که گفتیم مثال است و حصری نیست. هر جا سر و کله دلال در معامله پیدا شد، مسؤول است.

همانگونه که بیان شد و مواد ۳۴۳ و ۳۴۴ نیز اذعان می‌دارند دلال در معامله، اعتبار طرفین معامله، اجرای معامله، ارزش موضوع معامله، جنس موضوع معامله ضامن نیست، مگر یا حالت‌های مواد ۲۴۵ تا ۳۴۷ [معامله به اعتبار دلال، سهمیم بودن، منتفع شدن] و یا مگر تقصیر وی ثابت شود.

نظر به مواد ۳۳۷ که اصل مسؤولیت امانی ماده ۳۳۹ که مسؤولیت اشیاء و اسناد سپرده شده در ضمن معامله و ماده ۳۴۲ راجع به مسؤولیت صحت و اعتبار اسناد و نوشتجات رد و بدل شده در معامله می‌باشد، دلال با توجه به فرض مسؤولیت در این سه ماده **مسؤولیت امانی به نتیجه** دارد یعنی مسؤول **هست مگر** آنکه عدم مسؤولیت خود را به واسطه عدم تقصیر یا قوه قاهره اثبات نماید.

سوال: اگر متصدی حمل و نقل که حمل کالای شخص الف را بر عهده گرفته است، آن را به مأمور حمل دیگری جهت حمل بسپارد و در نتیجه حمل، خسارتی به کالا وارد شود:

- × هم متصدی هم مأمور حمل مشترکاً مسؤول اند.
 - × هم متصدی هم مأمور حمل به نسبت مسؤول اند.
 - × هم متصدی هم مأمور حمل متضامناً مسؤول اند.
- ✓ متصدی مسؤول است و حق رجوع به مأمور حمل را دارد.

نکته: متصدی حمل و نقل مسؤول است اعم از مباشراً این کار را انجام دهد یا توسط مأمور حمل (اعم از راننده یا متصدی حمل دیگر) این کار را انجام دهد. وجود مأمور حمل اعم از راننده یا متصدی دوم هیچ نقشی در مسؤولیت متصدی اول در برابر فرستنده ندارد؛ متصدی اول به هر حال ضامن است. متصدی به هر حال مسؤول کل خسارت هست (بدون نیاز به اثبات تقصیر). مأمور حمل از حیث ضمان قهری (با اثبات تقصیر) مسؤول کل خسارت هست. مسؤولیت تضامنی استثناء است، اصل بر مسؤولیت اشتراکی یا نسبی است. مسؤولیت تضامنی نیاز به تصریح دارد ولی در ماده ۳۸۸ تصریح نشده است. نکته‌ای که در مورد گزینه سوم باید بگیریم اینه: در سؤالات اگر هر چهار گزینه راجع به نوع مسؤولیت بود لاجرم باید «مسؤولیت تضامنی» را بزنیم ولی اگر در کنار گزینه‌ها گزینه‌ای بود که بحث حق رجوع را مطرح کرده بود طبق تصریح ماده ۳۸۸ همان را می‌زنیم (حتماً بر گزینه مسؤولیت تضامنی ارجح است). حق رجوع متصدی به مأمور حمل به هر حال پابرجاست. به موجب ماده ۳۸۸ صاحب کالا هم حق مراجعه به متصدی برای کل خسارت را دارا می‌باشد بدون آنکه نیاز به اثبات تقصیر باشد چون فرض مسؤولیت است و از سویی می‌تواند به مأمور حمل (اعم از راننده یا متصدی دوم) برای کل خسارت از باب ضمان قهری (اتلاف یا تسبیب) مراجعه کند.

نکته: در سؤالات کانون حمل اشخاص (مسافر) تابع قرارداد حمل و نقل مدنی است اما در سؤالات تحلیلی مثل ارشد، حمل اشخاص نیز می‌تواند تجاری به شمار آید.

نکته: قرارداد حمل و نقل علی‌رغم عدم تعریف در قانون تجارت می‌توان گفت قراردادی است که بین صاحب کالا با متصدی حمل و نقل در دو مقوله بار و مسافر (اشیاء و اشخاص) در حمل و نقل‌های دریایی، هوایی، زمینی یا ریلی تنظیم می‌شود. اسم قرارداد حمل و

نقل در رابطه با موضوع بار، **بارنامه** یا **رسید بار** نامیده می‌شود. اسم قرارداد حمل و نقل در رابطه با موضوع مسافر، **بلیط** نامیده می‌شود. بارنامه یک سند مالکیت قابل انتقال است (همه بارنامه‌ها) اما بلیط سند قابل انتقال نیست و قائم به خود فرد (به اسم شخص) است.

نکته: نظر به مواد ۳۳۵، ۳۵۸ و ۳۷۸ دلالی (ماهیت: واسطه‌گری معاملات ملکی، تجاری و سایر معاملات)، حق العمل کاری (به نام خود که فقط در حق العمل کاری داریم + به حساب دیگری **معامله کردن** که وجه تمایز با دلالی است چون دلال اصلاً معامله نمی‌کند) و تصدی حمل و نقل (که تکرار، مؤسسه و بنگاه، ابزار و تشکیلات می‌خواد) علی‌رغم اینکه شباهت ظاهری به وکالت ندارند اما از حیث مقررات «ماهوی» تابع وکالت هستند؛ از این روی، مسؤولیت آنها مسؤولیت امانی است و نه ضمانی. البته با توجه به اینکه موضوعات تجاری هستند قانونگذار فرض مسؤولیت نموده و آنها را متعهد به نتیجه دانسته است (تقصیر را قانونگذار فرض کرده مگر اینکه عدم تقصیر را ثابت کند).

نکته: نظر به مواد ۳۳۶، ۳۴۱، ۳۴۷ و ۳۴۶ تنها در دلالی اطلاع‌رسانی در باب چند امری، جزئیات معامله، منتفع یا سهام بودن پیش‌بینی شده است اما در حق العمل کاری و تصدی هرچند این تعددها مجاز است اما اطلاع‌رسانی شرط نیست بلکه در حق العمل کاری و تصدی اطلاع‌رسانی در موضوعات دیگر شرط است فی‌المثل: طبق ۳۵۹ اطلاع‌رسانی راجع به جریان اقدامات و همینطور طبق ماده ۳۶۲ اطلاع‌رسانی به مدعی العموم برای فروش مال التجاره سریع‌الفساد و به موجب ماده ۳۷۸ اطلاع‌رسانی توسط مُرسل به متصدی حمل و نقل از آدرس، محل تسلیم، وزن کالا و ... و به موجب ۳۸۹ اطلاع‌رسانی به مُرسل‌آلیه از وصول کالا. اینها همگی اطلاع‌رسانی‌هایی هستند که پیش‌بینی شده‌اند.

نکته: دلال همانند وکیل حق اجرا ندارد مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوص داده شده و تصریح شود (ماده ۳۳۸ ق.ت و ماده ۳۶ ق.آ.د.م).

علامت تجاری:

داشتن علامت تجاری اختیاری است. مدت اعتبار ثبت علامت تجاری ۱۰ سال است و مبدأ آن از تاریخ تسلیم اظهارنامه می‌باشد و هر تجدید ثبت برای ۱۰ سال حق انحصاری مزبور را برای صاحب آن تضمین می‌کند. علامت تجاری قابل نقل و انتقال است ولی اعتبار انتقال منوط به ثبت است.

ثبت اختراع:

مدت اعتبار ورقه اختراع ۵، ۱۰ و یا ۱۵ و حداکثر ۲۰ سال است و تعیین این مدت مخترع است و برحسب مدتی که انتخاب می‌نماید باید هزینه بپردازد. مدت اعتبار در خود ورقه قید می‌گردد. حق اختراع کلاً یا جزئاً قابل انتقال است.

دادگاه صالح حقوقی و کیفری در خصوص حق اختراع و علامت تجاری دادگاه‌های عمومی تهران است. خواه اقامتگاه خواننده تهران یا شهر دیگری باشد و خواه محل وقوع جرم تهران یا شهر دیگری باشد.

قائم‌مقام تجاری: تجارت‌خانه شرکت نیست، محل تجارت رئیس تجارت‌خانه است. قائم‌مقام تجاری اولاً خود یک عمل تجاری نیست (بر خلاف دلالی و حق العمل کاری) پس قائم‌مقام هیچ‌وقت تاجر نیست بلکه کسی است که رئیس تجارت‌خانه، او را در امور مربوط به تجارت‌خانه نائب خود قرار داده است. دقت شود تجارت‌خانه یک شخصیت حقوقی مستقل ندارد و تاجر نیست بلکه رئیس تجارت‌خانه تاجر است (ماده ۳۹۵). با توجه به ماده ۳۹۶ زمانی که نصب قائم‌مقام به ثبت رسیده و اعلام شده باشد، تجدید اختیارش هم مستلزم ثبت و اعلان است.

نکته: به موجب ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی که اصل بر وکالت اجتماعی در صورت تعدد وکیل بود در حقوق تجارت به موجب ماده ۳۹۷ قائم‌مقامی اجتماعی مستلزم ثبت و اعلان است این یعنی در صورت تردید در اجتماع یا استقلال قائم‌مقام‌ها اصل بر استقلال و انفراد آنها است مگر ثبت و اعلان شده باشد.

نکته: با توجه به ماده ۳۹۸ و همانند قواعد آیین دادرسی مدنی که وکالت در توکیل مستلزم اذن و تصریح موکل بود، گرفتن نائب توسط قائم مقام نیز در کلیه کارها با اذن رئیس تجارتخانه ممکن است. پس در جزئی از کارها نیابت بدون اذن مجاز است.

نکته: بر خلاف ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی، عزل قائم مقام تجاری که نیابتش به ثبت رسیده و اعلان شده صرفاً با ثبت و اعلان در مقابل ثالث معتبر است.

نکته: با توجه به ماده ۴۰۰ عجیب است که قائم مقامی که نائب رئیس تجارتخانه بود با فوت یا حجر رئیس منحل نمی شود و عجیب تر اینکه تجارتخانه یک شرکت به شمار آمده و انحلال آن شرکت برابر با انزال قائم مقام محسوب شده است (اصل این است که وقتی اصیل بمیرد، نائب هم منحل می شود؛ قائم مقام، نائب تجارتخانه نیست، نائب رئیس تجارتخانه است).

نکته: نظر به ماده ۴۰۱ صرفاً قائم مقام است که رابطه نیابتش تابع قانون تجارت است و الا هر نوع رابطه نمایندگی دیگر مثل وکالت، مثل رابطه خادم-مخدومی و شاگردی هر کدام تابع قواعد عمومی خود است.

با خواندن نکات زیر، مطالب، در ذهن تان تثبیت خواهد شد و اصلاً به جور خوبی می شینه توی عمق وجودتون تون!

تجار و اعمال تجاری

- نکته ۱:** تجار بر دو قسم هستند: تاجر حقیقی و تاجر حقوقی (شرکت ها و مؤسسات).
- نکته ۲:** اشخاص حقیقی: وفق ماده ۱ قانون تجارت تاجر کسی است که **شغل معمولی خود** را معاملات تجاری قرار بدهد. منظور این ماده صرفاً اشخاص حقیقی است چون اوّلش گفته: «تاجر کسی است که ...».
- نکته ۳:** وفق ماده ۱ قانون تجارت ضابطه ی شناسایی تاجر؛ انجام اعمال مذکور در ماده ۲ قانون تجارت است. البته در صورتی که انجام آن، شغل معمول فرد باشد.
- فرمول تاجر سازی از نظر ملاکریمی: لباس تاجر را به کسی می دهند که کس باشد، شغل معمولیش عمل باشد، اونم واسه خودش باشد، به دنبال سودش باشد. کسی + شغل معمول + عمل + خود + سود
- به موجب ماده ۱ ق.ت هر شخصی که شغل معمولی خود را عمل تجاری قرار دهد می تواند تاجر باشد. طبق این نص، وجود پروانه (در دلالی)، وجود مجوز (نمایش فیلم، آژانس مسافرتی و ...) و رعایت محدودیت های خاص هیچ کدام شرط تاجر شدن نیست. لذا اگر در قانون سؤال دادند به نظر می رسد حتی افرادی مثل قاضی، دلال بی پروانه، سردفتر و ... می توانند تاجر باشند. اما اگر در ارشد سؤال دادند واقعیت این است که اطلاق ماده ۱ قانون تجارت دلیلی بر جواز عدم رعایت محدودیت ها نیست پس هر چند چنین عمل هایی ممکن است تجاری باشند ولی شخص انجام دهنده آن نمی تواند تاجر باشد.
- نکته ۴:** با انجام اعمال مذکور شخص زمانی تاجر قلمداد می شود که اعمال تجاری را به حساب خود انجام دهد.
- نکته ۵:** قائم مقام تجاری و قیم یا ولی که به نیابت و نمایندگی از دیگری عمل تجاری انجام می دهند تاجر شناخته نمی شوند چون به حساب خودشان نیست.
- نکته ۶:** صغیر ممیز و سفیه می توانند با اذن ولی یا قیم معامله کنند. لذا این اشخاص مجازند با اذن ولی یا قیم به اعمال تجاری ذاتی مبادرت ورزند و متعاقباً تاجر شناخته می شوند (اختلافی است).
- نکته ۷:** چنانچه شخصی چند شغل داشته باشد به منظور تعیین تاجر بودن یا نبودن، باید شغل معمول او تعیین گردد. در صورتی که شغل معمول تجاری باشد، تاجر خواهد بود و در صورتی که غیر تجاری باشد، تاجر قلمداد نمی شود.
- نکته ۸:** معیار تشخیص شغل معمول از غیر معمول بنا بر نظر غالب، میزان درآمد شخص از هر یک از مشاغل است. بنابراین مقدار زمانی که شخص جهت اشتغال به این مشاغل صرف می کند در تشخیص شغل معمول از غیر معمول مؤثر نیست.

نکته ۹: صاحبان برخی مشاغل از جمله قضات دادگستری و سران دفاتر اسناد رسمی از اشتغال به تجارت یعنی اعمال تجاری ذاتی ممنوع‌اند. با وجود این، تخلف از این ممنوعیت مانع از این نیست که دادگاه در صورت اشتغال به تجارت این اشخاص را تاجر قلمداد کند.

نکته ۱۰: شرکای شرکت تجاری، تاجر محسوب نمی‌شوند مگر آنکه شغل معمول آنها شخصاً اعمال تجاری مصرح در ماده ۲ قانون تجارت با شد. انجام اعمال تجاری برای خود شخص و به حساب خود وی انجام می‌شود. در نتیجه معامله‌ی وکیل برای موکل یا مدیر شرکت برای شرکت و مواردی از این قبیل موجب تاجر قلمداد شدن شخص محسوب نمی‌شود.

نکته ۱۱: تاجر می‌تواند شخصاً یا توسط قائم‌مقام خود فعالیت کند. موقعیت قائم‌مقام در مقابل آمر مانند موقعیت وکیل در مقابل موکل است.

نکته ۱۲: قائم‌مقام می‌تواند واحد یا متعدد باشند. در این حالت اگر به اجتماعی بودن قائم‌مقامان تصریح نشود برخلاف وکالت هر کدام از قائم‌مقامان مستقلاً دارای اختیارات لازم برای نمایندگی امور تجارت‌خانه است؛ یعنی اصل بر استقلال بودن است.

نکته ۱۳: در صورت تصریح به اجتماعی بودن، این قید در مقابل اشخاص ثالث بی‌اطلاع مؤثر نیست مگر اینکه طبق مقررات وزارت عدلیه ثبت و آگهی شده باشد.

نکته ۱۴: قائم‌مقام اصولاً کلیه اختیارات نمایندگی تجاری را دارد و محدود کردن اختیارات او در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست مگر اینکه ثابت شود ثالث از آن مطلع بوده است. قائم‌مقامی تجاری برخلاف دلالی و حق‌العمل‌کاری جز اعمال تجاری نیست.

نکته ۱۵: قائم‌مقام تجارتی جزو عقود رضایی است. با وجود این اگر قائم‌مقامی به ثبت رسیده باشد عزل قائم‌مقام در صورتی در مقابل اشخاص ثالث معتبر است که عزل، مطابق قوانین وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد مگر اینکه طرف ثالث از عزل او مطلع باشد.

نکته ۱۶: اعمال تجاری بر سه قسم‌اند: ۱- ذاتی یا مطلق ۲- حکمی یا تشبیهی ۳- فرعی یا تبعی

نکته ۱۷: تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره موضوع بند ۱ ماده ۲ ق.ت عمل تجاری ذاتی است.

نکته ۱۸: منظور از تحصیل مال؛ تملک مال از طریق عمل حقوقی دو طرفه و معوض است به شرط آنکه به قصد فروش یا اجاره باشد اعم از آنکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

نکته ۱۹: منظور از تحصیل در بند ۱، تحصیلی است که منشأ آن عمل حقوقی دو طرفه‌ی معوض باشد. بنابراین تحصیل مال ناشی از واقعه‌ی حقوقی، مانند ارث یا عمل حقوقی غیرمعوض مانند هبه مشمول بند ۱ ماده ۲ ق.ت نیست لذا ذاتاً عمل تجاری شناخته نمی‌شود.

نکته ۲۰: منظور از تصرفات، تصرفات جزئی است اما اگر تغییرات کلی و اساسی باشد و پس از ایجاد تغییرات کلی مال فروخته یا اجاره داده شود، از مصادیق اعمال تجاری نخواهد بود.

نکته ۲۱: تصدی به حمل و نقل به هر طریقی که باشد عمل تجاری ذاتی است. تصدی به حمل و نقل اعم از اینکه حمل و نقل مسافر یا اشیا باشد تجاری است ولی قواعد قرارداد حمل و نقل موضوع مواد ۳۷۷ تا ۳۹۳ قانون تجارت ویژه حمل و نقل اشیا است.

نکته ۲۲: عملیات دلالی و حق‌العمل‌کاری، عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شوند.

نکته ۲۳: تفاوت عمده‌ی حق‌العمل‌کاری با دلالی در این است که دلال اصولاً واسطه‌ی انجام معامله است و اراده‌ی او در انعقاد قرارداد برای امر مؤثر نیست ولی حق‌العمل‌کار به حساب آمر قرارداد منعقد می‌کند و اراده‌ی او در صحت قرارداد مؤثر است.

نکته ۲۴: عاملیت نیز مانند دلالی و حق‌العمل‌کاری از اقسام معاملات تجاری غیر بنگاهی یا غیرمستمر است.

نکته ۲۵: تصدی به تأسیسات خدماتی مندرج در بند ۳ ماده‌ی ۲ ق.ت عمل تجاری ذاتی است که باید در پوشش یک مؤسسه انجام شوند هرچند موضوع آن خدمات تجاری نباشد مانند معاملات ملکی که به صراحت ماده‌ی ۴ ق.ت عمل تجاری محسوب نمی‌شوند اما تسهیل معاملات آن عمل تجاری می‌باشد.

نکته ۲۶: حمل و نقل از اعمال تجاری ذاتی بنگاهی یا مستمر است. لذا حمل و نقل در صورتی ذاتاً تجاری است که در قالب تشکیل بنگاه باشد. پس مالک چند دستگاه خودرو اعم از باری یا سواری که آنها را به منظور حمل بار یا مسافر به دیگران اجاره داده است، تاجر نیست و عمل او هم ذاتاً تجاری نیست.

نکته ۲۷: تأسیس کارخانه به تنهایی مشمول بند ۴ ماده‌ی ۲ ق.ت نمی‌باشد بلکه منظور عملیات ساخت یا تکمیل یک کالا به منظور فروش یا به کار بردن آن در کالای دیگر در کارخانه می‌باشد. به علاوه مانند سایر اعمال تجاری وجود قصد انتفاع در ایجاد آن ضروری است.

نکته ۲۸: در خصوص حراجی موضوع بند ۵ ماده‌ی ۲ ق.ت، منظور از عملیات حراجی عملی است که مطابق آیین و مقررات خاص به منظور فروش اموال دیگران صورت می‌گیرد.

نکته ۲۹: حراجی باید به همراه تصدی باشد و متصدی باید در مقابل دریافت حق حراجی، عملیات حراجی را انجام دهد.

نکته ۳۰: در خصوص تصدی به نمایشگاه عمومی موضوع بند ۶ ماده‌ی ۲ ق.ت، اگر برگزاری نمایشگاه به قصد انتفاع نباشد و یا به همراه تصدی و مستمر نباشد، عمل تجاری نیست.

نکته ۳۱: هر قسم نمایشگاه عمومی با هر موضوعی در صورتی که به آن **تصدی** گردد ذاتاً عمل تجاری است. در نتیجه برپایی نمایشگاه آثار هنری نیز در صورت جمع شرایط فوق عمل تجاری ذاتی است.

نکته ۳۲: تصدی به نمایشگاه عمومی در صورتی ذاتاً عمل تجاری است که عموم برای تماشای آنچه به نمایش گذاشته شده است **وجه** بپردازند؛ به عبارت دیگر تماشای موضوع نمایش رایگان نباشد (سالن‌های سینما و تئاتر و موزه‌ها و گالری‌ها و ... از اقسام نمایشگاه عمومی است).

نکته ۳۳: عملیات صرافی، تبدیل پول کشوری به پول کشور دیگر است و عملیات صرافی و بانکی نیز مطلقاً تجاری محسوب می‌شوند.

نکته ۳۴: صراف یا بانکدار، واسطه‌ی وجوه و اعتبار می‌باشد و گردش کالا مطرح نیست مگر در صورتی که وجوه و اعتبار مجازاً کالا تلقی شود.

نکته ۳۵: تبدیل ارز و معاملات راجع به آن، خرید و فروش سهام به دستور مشتری، قبول سپرده تحت ضوابط خاص، اعطای وام و اعتبار یا تسهیلات بانکی موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا، مبادله و معامله بروات از مصادیق عملیات صرافی و بانکی موضوع بند ۷ ماده‌ی ۲ (ق.ت) است.

نکته ۳۶: بانک موسسه‌ای است که بر طبق قانون پولی و بانکی، لایحه قانونی اداره‌ی امور بانک‌ها و سایر مقررات مربوط تشکیل و به عملیات بانکی اشتغال ورزد. اگر چه طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی بانکداری در بخش دولتی منظور شده است لکن قوه‌ی مقننه به استناد حکم مقرر در ذیل اصل مذکور تأسیس بانک غیردولتی را تحت ضوابط معین، مجاز اعلام نموده است.

نکته ۳۷: مطابق قانون پولی و بانکی کشور، مصادیق عملیات بانکی باید توسط شورای پول و اعتبار تعیین گردد.

نکته ۳۸: با توجه به قانون پولی و بانکی کشور، عملیات بانکی در حال حاضر باید **لزوماً** در قالب **شرکت سهامی عام** انجام پذیرد. برای تشکیل این شرکت اساسنامه آن باید به شورای پول و اعتبار برسد و مرجع ثبت شرکت‌ها نمی‌تواند آن را ثبت کند مگر اینکه مجوز را از بانک مرکزی اخذ کند.

نکته ۳۹: منظور از معاملات برواتی که عمل تجاری ذاتی است معاملات مربوط به سند برات است و در صورتی است که **موضوع معامله** سند برات باشد.

نکته ۴۰: معاملات برواتی، عمل تجاری حکمی (تشبیهی) است.

نکته ۴۱: معاملات اسناد سفته و چک را شامل نمی‌شود. پس معامله‌ای که **مورد معامله** آن بروات باشد مشمول بند ۸ ماده ۲ محسوب می‌شود.

نکته ۴۲: معاملات برواتی ممکن است بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

نکته ۴۳: عملیات بیمه‌ای در حال حاضر مطابق قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری باید مانند عملیات بانکی در قالب تشکیل شرکت سهامی عام انجام پذیرد.

نکته ۴۴: انجام عملیات بیمه، مطابق قانون فوق در حال حاضر مستلزم اخذ پروانه از بیمه‌ی مرکزی ایران است.

نکته ۴۵: در خصوص کشتی سازی و کشتی رانی موضوع بند ۱۰ ماده، همه‌ی اقسام معاملات راجع به کشتی صرف نظر از قصد طرف، ذاتاً تجاری است. به عنوان مثال اجاره‌ی کشتی یا معاوضه و ودیعه یا عاریه کشتی همگی ذاتاً تجاری‌اند.

نکته ۴۶: در یک تقسیم دیگر اعمال تجاری بر دو قسم هستند: اعمال تجاری که به محض انجام تجاری تلقی می‌شوند و اعمال تجاری که باید در قالب بنگاه و تکرار انجام شود.

نکته ۴۷: برخی اعمال تجاری به محض انجام تجاری قلمداد می‌شوند که شامل دلالی، حق العمل کاری، خرید و تحصیل مال منقول به قصد فروش و عملیات صرافیه و بانکی و بیمه می‌باشند.

نکته ۴۸: برخی اعمال تجاری در صورت تکرار تجاری قلمداد می‌شوند که شامل تصدی به حمل و نقل، تصدی به عملیات حراجی و تصدی به نمایشگاه‌های عمومی و تصدی به رسانیدن ملزومات و تأسیس و بکار انداختن کارخانه می‌باشند.

نکته ۴۹: اعمال تجاری حکمی، با توجه به ضوابط پذیرفته شده در مورد اعمال تجاری، ذاتاً تجارتی محسوب نمی‌شوند اما قانونگذار بنا به مصالحی احکام و آثار اعمال تجاری را بر آنها بار نموده است.

نکته ۵۰: اعمال تجاری حکمی عبارت‌اند از: تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام برخی از امور ایجاد می‌شوند به علاوه معاملات برواتی.

نکته ۵۱: دسته‌ی سوم اعمال تجاری، اعمال تجاری فرعی یا تبعی است که در ماده‌ی ۳ ق.ت در ۴ بند احصاء گردیده است.

نکته ۵۲: در این ماده ضابطه‌ی تشخیص تجاری بودن ضابطه مختلط می‌باشد؛ یعنی تلفیقی از ضابطه‌ی شخصی و ضابطه‌ی موضوعی می‌باشد (البته به نظر برخی، ضابطه شخصی است نه مختلط).

نکته ۵۳: اماره‌ی قانونی: کلیه معاملات تجاری؛ تجاری محسوب می‌شود و این امر اماره‌ی قانونی است و اثبات خلاف آن با کسی است که ادعای غیر تجاری بودن معامله را دارد.

نکته ۵۴: معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود حتی اگر توسط تاجر و برای حوائج تجاری باشد مگر معاملات غیر منقول شرکت‌های ساخت و ساز ساختمان که زمین را برای ساخت و فروش خریداری می‌کنند.

نکته ۵۵: هر تاجری به استثنای کسبه‌ی جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد.

نکته ۵۶: کسبه‌ی جزء تاجر محسوب می‌شوند اما الزامی به داشتن دفاتر تجاری ندارند.

نکته ۵۷: کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نمایندگان آنها در صورتی که میزان فروش سالیانه‌ی آنها از مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال تجاوز نکند کسبه‌ی جزء هستند.

نکته ۵۸: ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای مشروط بر اینکه مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال از ۵۰ میلیون ریال تجاوز نکند کسبه‌ی جزء هستند.

نکته ۵۹: دفتر روزنامه، دفتری است روزانه و تاجر باید کلیه مطالبات و دیون و معاملات تجاری و برواتی و جمیع واردات و صادرات را و وجوه برداشتی برای مخارج شخصی خود را در این دفتر وارد نماید.

نکته ۶۰: دفتر کل، دفتر هفتگی است و تاجر باید کلیه معاملات خود را هفته‌ای یک بار از دفتر روزنامه استخراج و در آن وارد کند.

نکته ۶۱: دفتر دارایی دفتری سالیانه است و بیلان مالی تاجر محسوب می‌شود.

نکته ۶۲: دفتر کپی دفتر مراسلات و مخابرات صادره‌ی تاجر است و باید به ترتیب تاریخ تنظیم شود. این دفتر نیاز به پلمپ توسط نماینده‌ی اداره‌ی ثبت ندارد. نامه‌های وارده نیاز به دفتر ندارد و در لفاف پیچیده می‌شوند.

نکته ۶۳: کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود.

نکته ۶۴: تراشیدن، حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن پیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است.

نکته ۶۵: تاجر مکلف است این دفاتر را از ختم هر سال به مدت ۱۰ سال نگهداری نماید.

نکته ۶۶: ضمانت اجرای نداشتن دفاتر تجاری یا عدم رعایت مقررات مربوط به آن: جزای نقدی و اخذ مالیات به صورت علی‌الرأس می‌باشد.

نکته ۶۷: چنانچه تاجر دفاتر نداشته یا دفاتر وی نامنظم باشد و در عملیات وی توقف حاصل شود، اگر نداشتن دفاتر با قصد تقلب باشد دادگاه وی را به ورشکستگی به تقلب محکوم می‌نماید اما اگر قصد تقلبی وجود نداشته باشد دادگاه می‌تواند وی را به ورشکستگی به تقصیر محکوم نماید (و به نظر برخی ورشکستگی به تقصیر اختیاری).

نکته ۶۸: در صورتی که دو طرف دعوی تاجر باشند و دفتر هر دو واجد کلیه شرایط شکلی و تنظیمی باشد و مندرجات آنها با هم اختلاف پیدا کنند هیچ کدام از دفاتر به عنوان سند قابل استناد نخواهد بود و هر دو از سندیت خارج می‌شوند و باید مدعی ادعا و خواسته‌ی خود را با استناد به ادله دیگر به اثبات برساند.

نکته ۶۹: دفاتر مذکور و **سایر دفاتری** که تاجر برای امور تجارتی خود بکار می‌برند در صورتی که **مطابق مقررات این قانون** مرتب شده باشد **بین تاجر، در امور تجارتی** سندیت خواهد داشت و **در غیر این** صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود. به علاوه در مقابل غیر تاجر می‌توانند قرینه محسوب شوند.

نکته ۷۰: دفاتر تجاری، **اسناد عادی** می‌باشند.

نکته ۷۱: **دفتر ثبت تجارتی:** در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارتی اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه‌ی جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در **دفتر ثبت تجارتی** به ثبت برسانند والا به جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

نکته ۷۲: برخلاف دفاتر بازرگانی دفتر ثبت تجارتی، سند رسمی است زیرا توسط اداره‌ی ثبت تنظیم و نگهداری می‌شود. بنابراین مرجع تنظیم و نگهداری دفتر ثبت تجارتی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است.

نکته ۷۳: کلیه بازرگانان و شرکت‌ها باید ظرف **یک ماه از شروع** به کار یا تأسیس؛ اظهارنامه‌ی ثبت نام را در نسخه‌ی چاپی مخصوص تنظیم و به دفتر ثبت تجارتی تقدیم کنند تا نام ایشان را در دفتر ثبت کنند.

نکته ۷۴: **نام و علامت تجاری:** محتمل است تاجر برای خود نام تجاری برگزیند. اسم تجاری مقرر در ماده ۵۷۶ قانون تجارت با علامت تجاری و نام شرکت تجاری کاملاً متفاوت می‌باشند.

نکته ۷۵: **نام تجاری با نام تاجر در دفتر ثبت شرکت‌ها متفاوت است:** تاجر نام و مشخصات واقعی و سجلی خود را به عنوان یک تاجر در دفتر ثبت تجارتی ثبت می‌کند اما نام تجاری می‌تواند هر عنوان یا نامی متفاوت از نام واقعی تاجر باشد.

نکته ۷۶: نام تجاری، عبارت است از هر اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده‌ی شخص حقیقی یا حقوقی باشد و الزامی ندارد که نام تجاری تاجر با نام خانوادگی وی یکی باشد.

نکته ۷۷: تاجر **نمی‌تواند** اسمی برای تجارتخانه‌ی خود انتخاب کند که موهوم وجود شریک باشد. به عنوان مثال آقای «ب» نمی‌تواند نام تجارتخانه خود را و نام تجاری خود را تجار شریف قرار دهد چون اسم جمع است.

نکته ۷۸: اسم تجارتی ثبت شده را **هیچ شخص دیگری در همان محل** نمی‌تواند اسم تجارتی خود قرار دهد **ولو اینکه** اسم تجارتی ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

نکته ۷۹: اسم تجارتی قابل انتقال است و مدت اعتبار ثبت اسم تجارتی **پنج سال** است و قابل تمدید است.

نکته ۸۰: **علامت تجاری:** عبارت است از هر نشان قابل‌رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد. برندها یا مارک‌های لباس یا لوازم‌خانگی و... همان علامت تجاری هستند. مثل علامت مارک‌های آدیداس، نایک، چی توز و...

نکته ۸۱: **نام شرکت تجاری:** اصولاً عنوان یا عبارات سه سیلابی است که شرکاء برای شرکت انتخاب می‌کنند مانند شرکت دیده گستران فردا.

نکته ۸۲: **امکان انتخاب علامت و اسم تجاری واحد:** یکی بودن اسم تجاری و علامت تجاری ممنوعیت قانونی ندارد اما چنانچه

شخصی بخواهد اسم تجاری‌اش، علامت تجاری وی هم باشد یا بالعکس، باید هریک را به طور جداگانه به عنوان یک علامت و اسم تجاری ثبت کند.

نکته ۸۳: مدت اعتبار نام تجاری پنج سال است و مدت اعتبار علامت تجاری ده سال است اما اسامی شرکت‌ها یا مؤسسات (اسامی تجاری) فاقد مدت اعتبار هستند و تا زمانی که شخص حقوقی منحل نشده و حتی سال‌ها پس از انحلال، اعتبار دارد.

نکته ۸۴: مرجع ثبت علامت، اداره‌ی مالکیت صنعتی است. مرجع ثبت نام تجاری، در اداره ثبت شرکت‌ها است و نام شرکت نیز مستقلاً به ثبت نمی‌رسد بلکه در ضمن ثبت شرکت در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، نام شرکت نیز به ثبت می‌رسد.

نکته ۸۵: نام تجاری می‌تواند یک یا دو یا چند سیلابی باشد ولی نام شرکت باید سه سیلابی باشد. علامت تجاری نیز می‌تواند به شکل اسم و با حروف و عدد و یا به صورت اشکال معنادار یا بی‌معنی باشد ولی نام شرکت باید معنادار و فقط با حروف باشد.

نکته ۸۶: اگر از علامتی حداقل سه سال استفاده نشود، قانوناً قابل ابطال است اما در خصوص نام تجاری و نام شرکت چنین نصی وجود ندارد.

نکته ۸۷: ثبت علامت‌های تجاری متعدد از سوی یک شخص منع قانونی ندارد اما هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از یک نام تجاری برای خود اختیار کند.

نکته ۸۸: علامت تجاری قابل انتقال به طور موقت یا دائمی می‌باشد (قرارداد فروش یا بهره‌برداری) اما انتقال نام تجاری تقریباً غیرممکن است و در صورت امکان نیز انتقال نام تجاری باید همراه با انتقال شرکت یا بخشی از آن باشد که با نام تجاری شناخته می‌شود.

نکته ۸۹: انتخاب و ثبت علامت تجاری قانوناً اجباری نیست اما اختیار یک نام به هنگام ثبت شرکت، اجباری است.

نکته ۹۰: حق استفاده انحصاری و متعاقباً حق تعقیب اشخاصی که حقوق انحصاری صاحب علامت یا نام تجاری را نقض کنند وجود دارد.

نکته ۹۱: استفاده از الفاظ بیگانه، استفاده از الفاظ سایر زبان‌ها به عنوان نام یا علامت تجاری و نام شرکت ممنوع است. البته معادل نویسی الفاظ فارسی به خط بیگانه و استفاده از الفاظ خارجی برای صادرات کالاهای داخلی با داشتن کارت بازرگانی، مجاز است.

نکته ۹۲: مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به طور تجاری، مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که بر اساس ضوابط قانونی توسط وزارت بازرگانی صادر می‌گردد.

یه توصیهٔ مُخلصانه: از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوتمندانهٔ وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس اطرافیانش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دوستم جزوهٔ حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطلبی دربارهٔ این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست؛ چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «مختصر حقوق تجارت دکتر توکلی» کمک گرفته‌ایم.



اینستاگرام نویسنده: [omid_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi)

به روزرسانی جزوه: ۱۳۹۹



امید ملاکریمی هستیم؛ به حواسِ بَرِتِ متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگر بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اوّل فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاقی سوزان باید اوّل اوّل توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگر دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»: یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمرأ شانس نداری!» اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اوّل فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیمم راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اوّل برو به جاسوئچی برای ماشینی که توو رویاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشین می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی کت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول به کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نهمیان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با به جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیپچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی (پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: [@OmidMollakarimi](https://t.me/OmidMollakarimi) E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: [@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar) web: mollakarimi.ir

به شماره همراه ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین و از من بخواهید تا تمام جزواتی را که تضمین‌کننده قبولی شما در

آزمون وکالت، قضاوت، سردفتری، کارشناسی ارشد و دکتری است را به رایگان برایتان ارسال کنم!